در پی قطع صدور نفت به امریکا، قراردادهای امتیازی نفت نیز باید بیدرنگ ملغی گردد

نزدیک به لحظه شب پریشب، تصمیم شورای انقلاب دائر به قطع صدور نفت ایران به امریکا از صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران به اطلاع مردم رسانده شد. این تصمیم شورای انقلاب در پاسخ به توطئه‌های امپریالیسم امریکا علیه انقلاب بزرگ مردم ایران اتخاذ شده، که نمونه آشکار وگستاخانه آن پذیرش شاه مخلوع جنایتکار برای اقامت در ایالات متحده است.

تصمیم قطع صدور نفت ایران به امریکا پاسخ لازم، ضروری و دندان‌شکن به توطئه‌های امپریالیسم امریکا و انحصارات نفتی آن علیه انقلاب ایران است. مردم انتظار اتخاذ چنین تصمیمی را از همان روزهای اول پیروزی انقلاب داشتند. متاسفانه باید گفت که دولت موقت نتوانست بموقع به اهمیت اتخاذ چنین تصمیمی پی ببرد، ودقیقتر گفته شود، نخواست تن به تحقق این خواست مهم و اساسی بدهد.

اکنون، با آغاز مرحله جدیدی از تکامل انقلاب، که با اشغال لانه جاسوسی امریکا شروع و به جهاد عظیم پاکسازی کشور از تسلط امپریالیسم و نواستعمار، در تو به اول امپریالیسم امریکا با راهنمائی وتأیید امام و پشتیبانی همه جانبه مردم منجر به مرگ شد. شورای انقلاب به یکی از مسائل مهم انقلاب و شاید به مهمترین آن پاسخ مثبت و مقتضی میدهد، و این مایه خوشحالی بسیار است. تسلط امپریالیسم بر نفت ایران، از ابتدای قرن بیستم تا همین امروز، عمده‌ترین اهرم غارت و عقب‌ماندگی کشور ما بوده است. در دوران رضاخان شرکت غاصب سابق انگلیسی نفت و در دوران محمدرضا، بویژه پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد کنسرسیوم بین‌المللی نفت دولتهای واقعی در ایران بشمار میرفته‌اند.

چنانکه میدانیم، پس از کودتا، کارتل بین‌المللی نفت مشهور به «هفت‌خواهران»، بغارت ذخائر و استثمار وحشیانه نفت ایران دست یافت. در این کارتل نقش اساسی را پنج شرکت عمده نفتی امریکائی

بقیه درصفحه ۶

سمت اصلی مبارزه، امپریالیسم امریکاست

■ تمرکز همه کوششهای خلاقه انقلابی علیه امپریالیسم آمریکا ضرورتی است ناشی از ماهیت نهضت رهائی بخش بزرگ مردم ـ امکان ندهیم که این تمرکز را به تشتت مبدل کنند.

«انقلابی بزرگ» سراسر میهن ما را فرا گرفته است. جبهه ضد امپریالیستی انقلاب بزرگ مردم ایران بوش از پوش وسعت وقوت میگیرد. تلاش‌های مداوم امپریالیسم آمریکا تاکنون نتوانسته است از این روند افزاینده تاریخی جلوگیری کند.

امواج انقلاب بدیگر کشورهای جهان رسیده، محافل و نیروهای مترقی و مردمی را به پشتیبانی از خواست به حق «تمام ملتها» برانگیخته است. مردم زحمتکش و مستضعف ما مستقیماً روبروی سرکرده امپریالیسم تجاوزکار جهانی، یعنی امپریالیسم توطئه‌گر و جنایتکار آمریکا قرار گرفته‌اند.

نیروهای اجتماعی وسیاسی، سازمانها، گروهها، جمعیتها و

بقیه درصفحه ۲

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دورهٔ هفتم، سال اول، شمارهٔ ۹۲
چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۵۸ ـ تک شماره ۱۰ ریال

درمقابل لانه جاسوسی باشرکت کارگران دهها کارخانه:

کارگران پیمان بستند علیه امپریالیسم و تحریم اقتصادی آمریکا مبارزه کنند

کارکنان نفت شعار می‌دادند:
ـ آمریکا را شکستیم، خمینی
ـ شیرهای نفتو بستیم، خمینی

□ آیت‌اله موسوی خوئینی در سخنرانی برای کارگران گفت: «کارگران ایران می‌دانند دشمن شماره یک آنها آمریکاست و باید دربرابر آن مقابله کنند.»

درصفحه ۲

گردان‌های توفندهٔ کارگران قهرمان ایران باراه پیمائی‌های پرخروش خویش بسوی لانهٔ جاسوسی امریکا، به‌نبرد بی‌امان وپیگیرشان برعلیه امپریالیسم خونخوار امریکا ادامه میدهند.

هنرمندان درراه‌پیمائی وتظاهرات ضدامریکائی شعار می‌دادند:

دشمن علم و هنر آمریکاست، آمریکاست

صف هنرمندان مردمی، در برابر سفارت امریکا ـ چهره‌های آشنا، بااستقبال گرم مردم روبرو شد

«صفحه ۲»

پیوند شعار ضدامپریالیستی با عمل ضدامپریالیستی

جنبه تحسین‌انگیز و درعین حال نوید بخش انقلاب جوان ایران، علیرغم تلوتلوخوردن‌های گاه به‌گاه و درجازدن‌های موقتی، خصلت رشدیابندگی و عمیق‌شدن آنست. این خصلت پویا وهدف‌مند، ازمرحله تکوین انقلاب تا قیام بهمن‌ماه، که رژیم گندیده وابسته به امپریالیسم را درهم شکست، وازقیام بهمن‌ماه تا امروز، که محتوای عمده آن دوران‌گذار است صرفنظر ازبرخی چرخشها و تزلزل‌های یادشده، همواره مشخصه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی وخلقی ما وپشتوانه و منبع نیروی آن بوده‌است. یافتن مناسب‌ترین شعارها درهر مرحله انقلاب و بسیج کلیه نیروها بر محور این شعارهای توده‌ای وآگاهی‌بخش، نخستین رمزپیروزی است.

برای انقلاب ملی‌ودمکراتیکی که مضمون ضدامپریالیستی و استقلال‌طلبانه آن، عمده‌ترین قطب‌نمای آنست، حرکت باشکوه وجهش امروز، یعنی هدف گرفتن امپریالیسم، بعنوان بزرگترین‌سد اجتناب ناپذیر راه انقلاب، زیرشعارمبارزه با سردسته امپریالیست‌ها، قابل‌پیش‌بینی بود. انقلاب ما درپیشروی خود «هست». درحمله وهجوم زنده خود «دفاع میکند»، زیرا برای هرانقلاب توقف و دفاع **تنها**، بمنزله مرگ است.

بدینسان تسخیر جاسوس‌خانه امریکا درتهران (که نام‌مستعار سفارتخانه داشت) حمله‌ای استکه درواقع دفاع‌است، دفاع‌ازادامه و سلامت انقلاب.. اما این دفاع انقلابی، یادفاع‌رزمنده، تنهاهنگامی می‌تواند ثمرات لازم‌را ببارآورد، که پس‌ازبسیج عظیم‌ترین نیروهای خلقی زیر شعارضروری‌مبارزه با امپریالیسم، این‌شعارهارا دراقدام عریان وقاطع، تفسیر کند، شعارهارا بعمل پیوندبزند و ازآن یک نیروی مادی پرتوان بسازد، شعارهارا با شعور توده‌ها بیاموزد و این آگاهی توده‌ای‌را با اعتماد واطمینانی که «عمل» بمردم‌میدهد، تداوم بخشد. این‌همان معنی استکه «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام»، که کدام «شیطان‌بزرگ» را تسخیر کرده‌اند، باهشیاری کامل بیان داشتند. آنها اعلام کردندکه، «**شعاربرضد امریکا کافی نیست، باید عمل‌ضدامریکائی کرد.**»

دراین تردیدی نیست که شعارضدامپریالیستی و بسیج ضدامپریالیستی خود نوعی عمل‌است. اما درمورد کشوری نظیر کشور ما، که امپریالیسم درتارو پود حیات سیاسی واقتصادی ونظامی و فرهنگی آن ریشه‌دوانده است، این‌عمل درعین حال که بشدت لازمست، کافی نیست. عمل‌ضد امریکائی بطورمشخص از این‌پس باید معطوف به لغو وابستگی درتمام زمینه‌ها به‌امپریالیسم یانکی باشد واین لغو وابستگی همان ویران‌سازی پایگاههای بالقوه و بالفعل امریکادر میهن‌ماست دراین زمینه گامهای چشمگیری تاکنون برداشته‌شده، اخراج دهها‌هزار کارشناس نظامی ومزدورامریکائی، برچیدن پایگاه‌های جاسوسی آنها، خروج ازپیمان تجاوزگر سنتو والحاق به‌کشورهای غیرمتعهد (درعرصه سیاسی ونظامی)، ملی‌کردن بانکها، بیمه وصنایع وتاسیسات وابسته به‌رژیم طاغوت وامپریالیسم جهانی (در عرصه اقتصادی) لغو پاره‌ای از قراردادهای تحمیلی و یکجانبه و بویژه لغوقرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا وآخرین اقدام، یعنی

بقیه درصفحه ۵

تفاهم ایجادشده در کردستان را باید حفظ کرد

طبق اخبار منتشره، هیئت ویژه دولت برای کردستان، در دومین اطلاعیه‌ای که پس‌ازمراجعت ازکردستان انتشارداد، یادآور شدکه در این مدت این هیئت «ضمن کوشش برای برقراری نظم وپایان‌دادن به‌درگیریهای خونین، که‌باکمال تاسف بعضی از عناصر اخلالگردر طول سفرهیئت، بآن دامن‌میزدند، توانست‌ازخواستهای به حق همیهنان کردآگاهی کامل

بقیه درصفحه ۲

در صفحات بعد:

مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای دراهواز صفحه ۳

■ **مبارزه مردم ایران در راه آزادی خود، درقلوب مردم شوروی همواره بازتاب صادقانه و عمیق داشته است** سخنان سفیر اتحاد شوروی در ایران صفحه ۲

■ **درباره شوراها در روستاها** صفحه ۴

■ **یکی از پی‌آمدهای دیکتاتوری پهلوی، معرفی جهان‌بینی مارکسیستی در کشورما ازکوره‌راههاست** صفحه ۳

■ **هنر درانقلاب ما** صفحه ۵

■ **برداشت رژیم عراق از امنیت خلیج‌فارس** صفحه ۶

■ **چه کسانی انقلاب ایران را تخطئه می‌کنند و حزب‌توده ایران را به باد ناسزا میگیرند** صفحه ۶

■ **کامیابی‌های چشمگیر یک نظام عادلانه اجتماعی** بمناسبت تشکیل قریب‌الوقوع کنگره حزب کمونیست رومانی صفحه ۵

■ **اطلاعیه کانون دانش‌آموزان ایران** صفحه ۲

آمریکا باید شاه مخلوع را به ایران تحویل دهد

سفیر اتحاد شوروی در ایران گفت:

مبارزه مردم ایران در راه آزادی خود در قلوب مردم شوروی همواره بازتاب صادقانه و عمیق داشته است

سفیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران، وینوگرادف، روز دهم نوامبر، در مراسمی که بمناسبت شصت‌ودومین سالروز انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در انجمن روابط فرهنگی ایران با اتحاد شوروی در تهران برپا شده بود، در برابر حضار نطقی ایراد کرد.

سفیر اتحادشوروی پس از توصیف دستاوردهای اتحاد شوروی در زمینه‌های گوناگون، طی شصت ودو سالی که از پیروزی انقلاب اکتبر میگذرد، درمورد سیاست خارجی وروابط اتحاد شوروی با ایران چنین گفت:

«اتحاد شوروی درسیاست خارجی خود به حسن‌نظر وعلاقمندی زحمتکشان کلیه کشورهای جهان ودرک سیاست اتحاد شوروی از جانب دوراندیش‌ترین نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف مردم جهان متکی است.

اما دشمنان اتحاد شوروی درصدد افترا زدن به سیاست داخلی کشور ماهستند. آنها میکوشند حقایق را تحریف نمایند و کسانی را که اطلاعات شان در باره کشور ما زیاد نیست، گمراه سازند. چه دروغهائی که درایتچا ، درباره اتحاد شوروی پخش نمیشود.

مثلادر باره موعوعات مذهب دراتحادشوروی واعمال فشار نسبت‌به روحانیون. اما چندی‌پیش نمایندگان برجسته روحانیون ایران که‌به اتحاد شوروی مسافرت کرده‌بودند ، بدرای العین متقاعد شدند که در اتحاد شوروی آزادی دین و مذهب وجود دارد.

به‌مردم ایران باسماجت تلقین میشود که نوعی خطر، بالقوه از جانب اتحادشوروی متوجه آنهاست، که گویا از نوع گرایشهای دیرین روسیه برای راه یافتن به دریاهای گرم است. صحبت از مداخله واهی اتحادشوروی درامور داخلی ایران بهوان میآید. هدف ازهمه این تبلیغات این است که اشخاص کم‌اطلاع درباره سیاست اتحادشوروی را تحت تاثیر قرار دهند . اما مسلم است که مردم‌ایران خود بخوبی میتوانند دوست را از دشمن تموز دهند و مومداننده که درلحظات دشوار به‌کدام سمت باید متکی باشند وخطر واقعی از کجا سرچشمه میگیرد.

مبارزه مردم ایران درراه آزادی‌خود در قلوب مردم شوروی همواره بازتاب صادقانه و عمیق داشته است. پاکسال پیش، زمانیکه خطر مداخله خارجی دربرابر انقلاب ایران قرار گرفت، اتحاد شوروی به‌کسانیکه بطورآشکار و یاغیر مستقیم درصدد چنین مداخله‌ای درموقایع انقلاب ایران بودند، باقاطعیت اخطار کرد. هشدار قاطعانه لئونید برژنف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، در این مورد به‌هدف اصابت کرد.

اتحاد شوروی به‌تحکیم و توسعه مناسبات دوستی وحسن همجواری بین‌دوکشور علاقمند است ودرای برقراری چنین‌روابطی دررشته‌های اقتصادی وبازرگانی وفرهنگی آماده است.

اتحاد شوروی حاضر است بورسیه‌های تحصیلی دراختیار جوانان ایران، جهت آموزش‌در موسسات آموزش‌عالی‌خود قرار دهد. ما حاضریم ایرانیانی راکه میخواهند بازندگی در اتحاد شوروی آشنا شوند، به‌عنوان جهانگرد بپذیریم.

خلاصه اینکه، باب مراوده بین‌خلقهای‌ما دوکشورما وبطورکلی راه برقراری تماسهای بازرگانی وهمکاریهای سودمند برای هردوطرف، ازجانب‌ما بازاست.»

سمت‌اصلی مبارزه ، امپریالیسم امریکا..

بقیه ازصفحه ۱

احزاب وقادار به انقلاب. به‌پیروی از تصمیم قاطع خود در«پیشبرد خط امام»، اعلام کرده‌اند که پنجشنبه روزه سیاسی فقط مظهری از اراده خلل ناپذیر توده‌ها‌بقطع ریشه‌هرگونه نفوذ خائنان، رانداز سیاسی، اقتصادی، نظامی وفرهنگی امپریالیسم در ایران است.

همه‌ملت برای تحصیل استقلال واقعی کامل، تحت‌رهبری امام، ساعی است که کلیه مبارزات خودرا‌حول‌محور انقلاب، که‌به‌گفته حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی عبارت از حرکت و عمل علیه امپریالیسم آمریکاست، متمرکز سازد.

در این‌شرایط واضح است که ایجاد هرگونه تشتت‌درصفوف متحد مبارزه رهائی‌بخش ضدامپریالیستی‌خائن خواهدناخواه آبی‌است که به‌آسیاب امپریالیسم ریخته‌میشود. لازم نیز درهمان اولین روز تسخیر جاسوسخانه امریکا در تهران که بعضی از گروهکها قصد تسخیر سفارتخانه‌های‌دیگر را داشتند، بدرستی وبموقع‌هشدار دادمشد که چنین عملی باعث انحراف توجه مردم ازقصدا‌صلی‌وسمت عمده این «انقلاب بزرگ» است.

اکنون آمریکا آشکارا مرکز همه فتنه‌ها، تحریکات وتوطئه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ایران شده است. امپریالیسم آمریکا، این بزرگترین دشمن انقلاب ایران وخصم استقلال، آزادی وترقی میهن‌ما، ساعی است که‌درخدشه‌گیری‌وابکی انقلاب رابا تبلیغات‌زهرآگین خود تیره وتارسازد، دیگر محافل وقیرهای جهان را علیه انقلاب برانگیزد وراه‌را برای تحمیل‌مقاصد تجاوزکارانه خود وپایمال کردن حقوق مسلم مردم‌ما‌هموار کند.

لذا درگام اول‌نکته دیگراینست‌که تحریک به‌تشجیر نمایندگی های رسمی دولتهای دیگر، بی‌حرمتی نسبت باتباع خارجی مقیم کشور واقدامات دیگر نظیرآنها، دراین‌موقع دانسته یا ندانسته، کمکی باجرای توطئه امپریالیستی علیه ایران است. این‌نوع اعمال که باز بعضی گروهها ندان‌گرا‌نرا‌دارند، دروقایع درست‌همان‌چیزی است که امپریالیسم آمریکا می‌خواهد.

اقدام باشغال وزارتخانه‌ها و دوائر دولت انقلابی ـ مانند آنچه که در وزارت‌کار مرکز نفوذ‌داشت، متحرف کننده وبازتاب‌بخش‌است‌وقط بضد انقلاب کمک میکند. راه‌پیمائی و تظاهرات برای خواستهای معین، حتی اگر آن‌خواست‌حق هم‌باشد، دراین‌هنگام که‌دشمن‌خارجی غدارو خونخواری چون امپریالیسم آمریکا همه نیروهای جهنمی خودرا درداخل وخارج این‌کلمه ما بسیج می‌کند، نمی‌تواند بنفع انقلاب رهائی‌بخش‌ضد امپریالیستی وصلاح کشورخلق‌باشد.

فداکاریهای توام باقهرمانیهای‌که‌نظیرو‌موشهای انقلابی که مردم را در ایام انقلاب علیه استبداد منفور از خودنشان دادند، موجب تحسین بحق همه نیروهای مترقی جهان بوده است.

نوبه‌دی نیست که خلق‌ما با‌بهره‌مندی از تجربیات انقلابی که هوشمانه‌وعمیم است ودسایس امپریالیسم رادرنظر نقطه نظم میسازد و امکان‌نخواهد دادتوجه اورا ازسمت‌عمده انقلاب ، کسبه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا است، منحرف سازند.

تمرکز همه‌کوششهای خلاقه انقلابی علیه امپریالیسم امریکا ضرورتیست ناشی ازماهیت نهضت رهائی‌بخش بزرگ مردم‌ما. امکان ندهیم که این نیرو کارا به تشتت بدل‌کنند.

تفاهم ایجادشده در کردستان...

بقیه ازصفحه ۱

باید وزمینه را برای رفع‌هرگونه سوءبه این خواهران وبرادران عزیز، که بی‌شک فرزندان دلیر ایران وازپیروان راستین‌اسلام هستند، فراهم سازد.»

دراعلامیه گفته شده‌که هیئت دروضوح حساس‌کنونی انتظاردارد که همگان «دراظهار نظرهای‌خود پرامون رویدادهای کردستان احساس مسئولیت لازم را داشته باشند وفرصت ندهندتش‌خبرهای نادرست یاشایعه‌پراکنی، برنقاهم های ایجادشده اثرسوء بگذارد.»

آیت‌الله بهشتی طرح پیشنهادی هیئت‌دویژه‌دو‌اندرباره کردستان را «بسیار خوب» و گزارشهای آنرا «بسیار خوب و امیدوار کننده» ارزیابی کرده است.

حجت‌الاسلام رفسنجانی گفته است، «در هیئتی که برای مرحله دوم مذاکرات بکردستان خواهد رفت، سه تن از اعضای شورای انقلاب نیزشرکت‌خواهند داشت.»

بدین‌ترتیب سوءحوادث بی توسعه هرچه بیشتر نمیتواند پذیرای کرده است.

حجت‌الاسلام رفسنجانی گفته است، «در هیئتی که برای مرحله دوم مذاکرات بکردستان خواهد رفت، سه تن از اعضای شورای انقلاب نیزشرکت‌خواهند داشت.»

بدین‌ترتیب سوءحوادث بی توسعه هرچه بیشتر نمیتواند پذیرای کرده است.

دوم مذاکرات کردستان‌ازطرفی‌و دعوت هیئت ویژه دولت باحساس مسئولیت‌وحفظ «تفاهم‌های ایجاد شده» ازطرف‌دیگر، برازفزایش اهتمام شورای انقلاب بحل مسالمت آمیز مسئله کردستان دلالت می‌کند.

دراین‌میان اخباری که‌در باره درگیریهای جدید درچند نقطه‌کردستان و ازآنجمله در سنندج هرسد، گرچه‌چون‌کلمه‌های عمومی برافق‌روشن صلح وبرادری خودنمایی می‌کند، ولی باید امیدوار بودکه وقارانقلابی و تمکین سیاسی طرفین این لکه‌ها را زائل خواهد ساخت‌و دور دوم مذاکرات در ژیر شعله‌های گرم برادری و تفاهم و بویژه درک موقعیت ویژه امروز مهمنان و نیاز باتحاد خلل‌ناپذیر خلقهادر برابر امپریالیسم خونخوارجهانی، برگزار خواهدگردید. ویژه، در حالی که هم مسئولان دولتی در منطقه و هم نمایندگان حزب دموکرات کردستان میگویند که این درگیریها کارفئودالها واخلال کنندگان وردمذاکرات است،باید دقت وخونسردی‌را دوبرابر کرد.

اعلام‌آتش‌بس‌رسمی وراعایت شرافتمندانه‌آن،اولین‌گام ضرور وقاطعی استکه باید در این راه برداشته‌شود.

کارگران پیمان بستند...

بقیه ازصفحه ۱

چندگروه وسیع‌کارگری در مقابل لانه جاسوسی امریکا عهد بستند تا‌به‌مبارزه‌علیه‌امپریالیسم آمریکا ادامه دهند. کارگران پیمان بستند تا آنجاکه نیرو دارند برای مبارزه علیه تحریم اقتصادی آمریکا کار کنند.

در گزارش‌خبرنگاران«مردم» نظاهرات ضدآمریکائی هر روز اوج بیشتری می‌گیرد وروز وروز گذشته بیشترین گروههائی که به مقابل لانه جاسوسی آمدند، امپریالیسم آمریکا را محکوم کردند، کارگران بودند.

همراه کارگران ، نظامیان دانشگاهیان، فرهنگیان، زنان‌و دیگر اقشار وطبقات جامعه هم در موج‌های پیوسته به مقابل لانه جاسوسی‌می‌آیند و اراده خود را برای مبارزه با امریکا اعلام می‌دارند.

صدر دیروز خبرنگاران هیوتر صف‌های منظم به مقابل لانه جاسوسی‌رفتند وضمن تقدیم طرح ها ونقاشی‌های ضدامپریالیستی‌به «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» که لانه جاسوسی را در اختیاردارند، نفرت خود را از امپریالیسم یانکی اعلام داشتند.

گزارش دیگر از مراسم‌تاشکوه تظاهرات کارگران درمقابل لانه جاسوسی تهیه شده‌است.

از صبح دیروز (دوشنبه) گروههای عظیم‌ی ازکارگران‌چون سول‌خودشان روانه‌لانه جاسوسی آمریکاشدند تا ضمن پشتیبانی از دانشجویان متصرف لانه جاسوسی با یکدیگر عهدکنند که برعلیه تحریم اقتصادی آمریکای‌خونخوار مبارزه‌کنند.

دراعت۱۱ صبح کارگران شرکت‌چکش، باشعارمرگ‌بر آمریکا مردمی‌را‌که‌هر‌لحظه بر‌ازدحامشان افزوده می‌شد ، بسوی خود جلب کردند.

دراین روز طنین شعارهای مردم برعلیه آمریکای خونخوار جاسوس‌رفتند و‌با‌ورقه‌های ضدامپریالیستی‌به «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» که‌لانه جاسوسی را در اختیاردارند، نفرت خود را از امپریالیسم یانکی اعلام داشتند.

دراین‌میان اخباری که‌در باره درگیریهای جدید درچند نقطه‌کردستان و ازآنجمله در سنندج هرسد، گرچه‌چون‌کلمه‌های عمومی برافق‌روشن صلح وبرادری خودنمایی می‌کند، ولی باید امیدوار بودکه وقارانقلابی و تمکین سیاسی طرفین این لکه‌ها را زائل خواهد ساخت‌و دور دوم مذاکرات در ژیر شعله‌های گرم برادری و تفاهم و بویژه درک موقعیت ویژه امروز مهمنان و نیاز باتحاد خلل‌ناپذیر خلقهادر برابر امپریالیسم خونخوارجهانی، برگزار خواهدگردید. ویژه، در حالی که هم مسئولان دولتی در منطقه و هم نمایندگان حزب دموکرات کردستان میگویند که این درگیریها کارفئودالها واخلال کنندگان وردمذاکرات است،باید دقت وخونسردی‌را دوبرابر کرد.

اعلام‌آتش‌بس‌رسمی وراعایت شرافتمندانه‌آن،اولین‌گام ضرور وقاطعی استکه باید در این راه برداشته‌شود.

اطلاعیه

کانون دانش آموزان ایران

امام خمینی: «ما با این سی و پنج میلیون نفر به‌میدان میرویم»

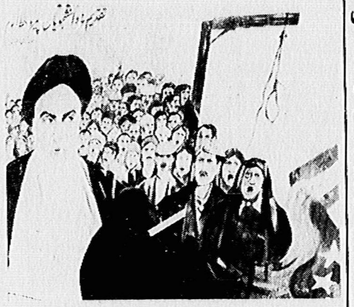

یکی از آثار ضدامپریالیستی‌که هنرمندان به «دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام» تقدیم کردند.

گروه وسیعی از هنرمندان، عصردیروز بدنبال پاک‌ازامپیالی به‌لانه‌جاسوسی آمریکا رفتندوضمن اعلام پشتیبانی خود از اشغال‌این جاسوسخانه،یک پوستروپاک‌نابلوی کارجمعی خودرا بـه«دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» تقدیم کردند.

هنرمندان ساعت۴ بعدازظهر ازمحل دانشکده تئاتر‌پی‌به‌حرکت درآمدند. درمیان صفوف آنها دهها پلاکارد ضد آمریکائی ودو تابلوی بزرگ حمل میشد.

هنرمندان شعار می‌دادند،

ـ دشمن‌اصلی‌ما‌آمریکاست،

ـ دشمن خلق و خدا، آمریکاست، آمریکاست

ـ دشمن‌صلح‌وصفا، آمریکاست، آمریکاست

ـ آفت‌نوع بشر، آمریکاست آمریکاست

ـ متشا فتنه‌وش آمریکاست آمریکاست

ـ دشمن‌علم‌وهنر، آمریکاست آمریکاست

هنرمندان وقتی به نزدیک لانه جاسوسی رسیدند ، شعار میدادند،

ـ این‌اتحاد امت وامام‌است اي‌آمریکا‌کار توهم تمام است.

هنرمندان،که درمیان آنها چهره‌های سرشناسی مانند مهین اسکوئی ، فریدون‌تنکابنی،محمد علی جعفری ،رکن‌الدین‌خسروی ،باربد طاهری ، سیاوش کسرائی، مسعودکیمیائی دیده میشد، وقتی به‌مقابل لانه جاسوسی رسیدند ، باغریو‌و خوش‌آمد هزاران نفر که درآنجا بودند، روبرو شدند.

مردم شعار می‌دادند،

ـ مرگ بر آمریکا

هنرمندان دربا‌سخ‌می گفتند،

ـ خمینی‌پیروزاست، آمریکا نابود است

هنگامیکه هنرمندان به مقابل در اصلی لانـه جاسوسی رسیدند، دانشجویان مستقر در داخل‌سفارت«استقبال‌آنها آمدند و **سیاوش کسرائی و مهرداد فرجاد** به نمایندگی هنرمندان بداخل‌لانه‌جاسوسی‌رفتندو تابلوها راتقدیم دانشجویان‌مسلمان‌پیرو خط امام» کردند. بعـد از اینکه تابلوها در محوطه لانه جاسوسی گذاشته شد، نمایندگان‌هنرمندان به قسمت‌روابط عمومی‌دانشجویان رفتند ودرآنجا **سیاوش کسرائی** شعر،

ـ آمریکا! آمریکا!

را قرائت‌کرد.

نمایندگان«دانشجویان‌مسلمان پیرو‌خط امام» ضمن‌ابراز‌تشکر، ازهنرمندان‌قدردانی‌کردند.

دشمن علم‌وهنر، امریکاست! امریکاست!

هنرمندان دوتابلوی ضدامپریالیستی تقدیم «دانشجویان مسلمان پیروخط امام» کردند.

هلند با استقرار موشکهای جدید هسته‌ای در اروپای غربی «مخالف است

تصمیم سازمان نظامی نـاتو‌برای استقرارموشک‌های جدید هسته‌ای دراروپای غربی با مخالفت برخی از کشورهای عضو‌اروپا روبرشده، است. ازجمله وزیردفاع هلند اعلام‌کرد‌که‌این کشوربا این تصمیم ناتومخالفت خواهدکرد. ناتورغم پیشنهادهای اتحاد شوروی درموردکاهش تشنج نظامی دراروپا، تصمیم گرفته‌است موشک‌های هسته‌ای دراروپای غربی مستقر کند.

مبارزه جبهه آزادیبخش‌صحرا (پولیساریو) با اشغالگران مغرب شدت یافته‌است

مبارزه جبهه آزادیبخش‌صحرا (پولیساریو) بـا نیروهـای اشغالی‌مغرب درصحرای غربی‌شدت‌گرفته‌است. جبهه پولیساریو در بیانیه‌ای اعلام‌کرد‌که دردوروزخوردهای اخیر میان چریک‌های این جبهه وسربازان مغربی، شصت سربازمغربی‌کشته وهفت سرباز‌دیگر اسیرشده‌اند. دراین زدوخوردها چند وسیله نظامی‌مغرب نیز نابود شده است.

ازسوی دیگر نیروهای مغربی‌دوازده تن را درصحرا باتهام پخش اعلامیه بازداشت کرده‌اند.

مصاحبه‌سرپرست رادیوتلویزیون جمهوری اسلامی ایران

روز۲۲ آبان بنا بـدعوت سرپرست‌رادیوتلویزیون‌جمهوری اسلامی‌ایران،آقای‌صادق‌قطب‌زاده دربنای مرکزی رادیو تلویزیون یک مصاحبه مطبوعاتی با حضور نمایندگان‌مطبوعات‌وخبرگزاری‌های خارجی و داخلـی انجـام گرفت.

آقای قطب زاده ابتدا بـه پرسشهای خبرنگاران خارجـی پاسخ داد وسپس پاخبرنگاران و نمایندگان «مطبوعاتی داخلی به مصاحبه نشست .

خبرنگار روزنامه «مردم» از آقای قطب‌زاده‌سئوال‌کرد، در ارتباط با اشغال سفارت امـریکا بوسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام واسنادی که دراین‌سفارت بدست‌آمده و نشان می‌دهد، که‌این سفارت ازارائش دوبیک نیروهای انتظامی، اخباری‌کسب می‌کرده، در شرایط کنونی‌وجود مستشاران وپاکارشناسان امریکائی‌دراراتش‌از جمله‌ونیروی هوائی بچه‌صورت خواهدبود؟

آقای قطب‌زاده پاسخ‌دادند، ما دراین‌باره هیچ مستشاری نداریم.

ازجمله قطع فروش‌نفت‌به امریکا وواکنشهای احتمالی دولت کارتر دربرابر اقدامات‌کی‌که از جانب ایران انجام می‌گیرد.

خبرنگار روزنامه«مردم» از آقای قطب‌زاده‌سئوال‌کرد، در ارتباط با اشغال سفارت امـریکا بوسیله دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام واسنادی که دراین‌سفارت بدست‌آمده و نشان می‌دهد، که‌این سفارت ازارائش دوبیک نیروهای انتظامی، اخباری‌کسب می‌کرده، در شرایط کنونی‌وجود مستشاران وپاکارشناسان امریکائی‌دراراتش‌از جمله‌ونیروی هوائی بچه‌صورت خواهدبود؟

آقای قطب‌زاده پاسخ‌دادند، ما دراین‌باره هیچ مستشاری نداریم.

خبرنگار«مردم» سئوال‌کرد، آیا بنظر شما ضدامپریالیستی‌و مبارزه‌کنونی ضدامپریالیستی و بحرانی‌که درروابط با‌امریکاپدید آمده، برای‌جلب پشتیبانی‌سیاسی بین‌المللی‌ازمبارزات‌مردم‌ایران، از جانب شورای انقلاب نیست باید اقدماتی بعمل‌آید، ازجمله‌بنظر ما ازطریق جنبش کشورهای‌غیر متعهد، بویژه باتوجه به«اینکه در کنفرانس اخیر غیرمتعهدها ما وارانه، انقلاب ایـران مـورد پشتیبانی گرم کشورهای‌غیرمتعهد قرار گرفت؟

آقای‌قطب‌زاده پاسخ دادند، از این امکانات استفاده خـواهد شد، اما تاقبل از انقلاب کسی‌از ما‌پشتیبانی نکرد و ایـنن بعداز انقلاب بود که‌ازما‌پشتیبانی کردند.

مصاحبه‌رئیس‌جمهور امریکا با تلویزیون ایران

امام خمینی: «ما با این سی و پنج میلیون نفر به‌میدان میرویم»

امریـالیسم امـریـکا ، کشور کارتل‌ها وتراست‌های عظیم، مهمانگاه سرمایـه‌داران بزرگ، که‌خودرا یکه‌تاز جهـان می‌پنداشت، به‌چه فلاکتی افتاده است!

آمریکا با بمب‌افکن‌های‌فوق مدرن، باانواع‌سلاح‌وتجهیزات نظامی، درمقابل سی‌وپنج‌میلیون انسان‌مبارز و متحد قرار گرفته است. انسانهائی که از مبـارزه هراسی ندارند، «آرزوی شهادت میکنند، مرد مبـارزه هستند، مبارزه باتوپ‌وتانک‌کرده‌اند،...»

سال‌گذشته را به‌یاد بیاوریم کـه درسرمای زمستان، چگونه مردم قهرمان ما بدون نفت و یا چیزی غذائی اندک، بی‌محابا بـه خیابانها ریختند ودرمقابل‌توپ وتانـک شاه مخلوع و حامیان امپریالیستش مردانه ایستادگی کردند وشهید دادند وپیروزی‌را نصیب خود ساختند.

امپریالیسم امریکا، درماندو وهستأصل، آخرین بن‌گهای‌بازی را بـه روی صحنه مـی‌آورد . اکنون بـا سلاح کهنهٔ «محاصرهٔ اقتصادی»مردم دلیرومبارز مارا تهدید می‌کند. غافل‌ازاینکه این بازی‌قدیمی، بارها اورا درصحنه مبارزه باخلق‌های جهان‌به‌شکست مفتضحانه‌کشانده است

کافی‌است که آمریکا شکست های خود را در ویتنام ، کوبـا و...به یاد آورد.

بقول امام‌خمینی،«کارترمثل یک غریقی است‌که به همه چیز نشبث کرده‌است. گاهی ازسوی‌یک جبهه‌ای‌مترسا‌ند که‌خلاف‌نظامی می‌شود، گاهی‌گفته می‌شود‌که از حیث اقتصادی محصور می‌شویم»، «۰۰۰ما روزه می‌گیریم، اگربنا باشد آنها‌فرضاً بتوانند محاصره اقتصادی‌کنند وهمهٔ ملتها تبع ایشان بشوند وحال آنکه خیالی است خام!»

ملت قهرمان‌مـا با اعـلام پشتیبانی از تصمیم «گرفتن پنج روز روزهٔ‌سیاسی»ازسوی‌دانشجویان پیرو خط امام، بردهـان لاغـزن امپریالیسم امریکا مشت‌محکمـی کوبید.

کانون دانش‌آموزان‌ایران، صادقانه‌وپیگیر‌ازاین شیوه‌مبارزه حمایت وپشتیبانی میکند وازهمهٔ هواداران خودمیخواهد کهدرحد توان،این مبارزه‌ضدامپریالیستی پیوند زنند.

کانون دانش آموزان ایران
۱۳۵۸/۸/۲۰

کندیب

آقای حسین ایاری، رئیس مرکز تلفن‌نظر، سئوال«مـردم» را درباره ساواکی بـودن ایشان (مندرج درشماره۸۸«مردم») تکذیب کرده‌اند.

تصحیح

ـ بانک ملی‌ایران‌کشاورز، بانک مرکزی است،نه‌بانک‌ملی (که در مقاله مندرج درشماره ۹۱ «مردم» نوشته شده)

ـ کارگاه تـولیدی‌نمانورست است‌نه «نمانا» (که درخبر مندرج درشماره ۸۸«مردم» نوشته‌شده).

صحنه‌ای از مراسم بزرگداشت افسران شهید توده‌ای دراهواز

بزرگداشت افسران شهیدتوده‌ای دراهواز

مراسم بزرگداشت افسران شهید سازمان نظامی حزب توده ایران ، که بیست وپنج سال‌پیش به‌جوخه اعدام شاه سپرده‌شده‌بودند، اهواز برگزار شد .

دراین‌مراسم که‌بدعوت‌سازمان ایالتی حزب‌توده‌ایران‌برخوزستان برگزار شد، **رفیق‌تقی‌کی‌منش** عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران سخن‌گفت.

مراسم باشرکت‌گروه‌کثیری از اعضا وهواداران حزب توده ایران و طبقات مختلف مردم در آمفی تاتردانشکده علوم برگزار شد .خبرنگاران «مردم» گزارش زیر را‌از‌مراسم‌برای‌ما‌فرستاده‌اند.

بر‌پردهٔ‌آمفی‌تئاتر،عکسهای رفقای شهید همراه باشاخه‌های گل‌زینت‌داده شده‌است‌وبر‌دیوارها شعارهایی چون «گـرامی بـاد تابوت خائنان افسران شهیـد سازمان نظامی حزب توده ایران»، «زنده بادجبهه متحد خلق برای پاسداری و ادامه انقلاب» « نابودی امپریالیسم درگرواتحاد همه‌نیروهای‌ضد امپریالیستی‌است»، دیده‌می‌شود

دیگر درآمفی تاتر‌جایی نیست تالبه سکو.قلب‌های‌پرشور‌می‌تپند رفقای انتظامات در نظم مـراسم می‌کوشند . شور وهیجان خاصی حکمفرماست.

ابتدا یکدقیقه سکوت‌اعلام می‌شود،سپس‌به‌احترام بلندمی‌گیرند وبعد ناگهان شعار «درود بـر حزب تـوده ایـران»، «درود بر«کمیته مـرکزی حـزب»ما دیوارها را می‌لرزاند.

تمام رفیق‌کی‌منش‌کمی‌آید جمعیت هم‌آوا می‌گردد، «درود برکی‌منش»، رفیق‌رزمنده‌ما، که تجسمی‌ازصلابت،مقاومت‌وهوشیاری حزب ماست، بر پـا مـی‌ایستد. خروش موج‌های اقیانوس صدا اوج‌گرفته است کف‌زدن‌های پی در پی ادامه‌دارد.

سرود حزب پخش می‌شود، جمعیت برپا می‌ایستد، همه‌خوانی با سرود، کشش‌وشکوه‌انگیزی‌دارد.

رفیقی دیگر، شعر «پالیز» کسرائیی و شعر «اگرای مردک نامر» **وکیلی** را می‌خواندهمراه با کف‌زدن‌های پرشور،جمعیت‌فریاد می‌زند، «**درود بر کمیته‌مرکزی حزب ما**»

یکی ازرفقا‌زندگی‌نامه‌رفیق **کی‌منش**را میخواند.از فاتحان سال‌۱۱کنون رفیق‌کی‌منش‌برخاسته است،تحسین‌برانگیز ودوست‌داشتنی وسنه‌های گل بسوی اوجاریزند.

«**درود بر کی‌منش**»،درسنه‌های بهم‌فشرده‌ومطمئن‌جواب‌می‌دهند. رفیق شاخه‌های گل‌را میان‌جمعیت می‌افشاند. دودختردانش‌آموز او رادرآغوش می‌گیرند. چه پیوند پرغرور پدرانه‌ای! دو نسل بهم گره می‌خوردند، نسل تجربه و وفاداری ونسل شور و پویایی در راه حزب، حزب ایشان تاعماق خلق ریشه دوانده است.

رفیق‌کی‌منش‌بعداز یادآوری همزمانی‌انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتبر درپخشی از سخنان خود چنین میگوید :

«اجتماع امروزما در اینجا تجسمی است‌ازاتحاد پربار‌انقلاب بزرگ‌مردم ایران‌که به‌این‌امکان را دادکه برای‌نخستین بارمراسم شهادت رفقای رزمنده توده‌ای را در شرایط مناسبی برگزار کنیم. افسران توده‌ای دررأه همان هدف های والای انسانی‌رزمیدندوشهید شدند‌که انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر همپش آن درمقیاس جهان تاریخی است افسران توده‌ای در راه‌همان هدفهای استقلال‌طلبانه‌و آزادیخواهانه‌ای رزمیدند وشهید شدند‌که انقلاب بزرگ ایران‌بمثش آن درمهن‌ماست وبه‌این معنا افسران توده‌ای مستقیماً شهیدان همین انقلاب ایران‌اند.»

رفیق‌کی‌منش سخنان خودرا چنین‌پایان می‌دهد،

کودتای خائنانه ۲۸ مرداد وسرکوب جنبش ضدامپریالیستی وضدارتجاعی مردم‌سازمان‌نظامی حزب‌توده ایران رادرمیدان‌خطر شدید قرارداد‌ودرتیرماه پور ۱۳۳۳ این سازمان کشف شد و افسران توده‌ای دستگیرو‌باوحشیانه‌ترین شکنجه‌ها در‌پرونده‌شد. آنها از مردم‌ایران‌وحزب‌خودرو‌بیدادگاه شامه‌محاوم وقاع‌کردند. پایداری سیاهکل‌ها،عشری‌ها،محققی‌زاده‌ها، مرزونها، وکیلی‌ها، یکتلوها، روح‌بها، کوچک‌شوشتری‌ها باعث تشویق ومبارزان راه‌حزب توده ایران وراه‌آزادی همه‌مردم‌ایران شد، ما دراین‌روز کهدراینجا گرد آمده‌ایم، نـه‌تنها‌ازشهیدان‌حزب خود، بلکه از همـه شهیدان راه‌آزادی‌واستقلال ایران‌با‌تجلیل فراوان یاد میکنیم، حزب ما‌از همه‌خدمتگزاران خلق‌وسرکار است، بهترین راه سپاسگزاری‌از شهیدان خونین کفن و مجاهدان راه‌خلق‌نه‌تنها‌بخاطر‌آنها، بلکه ادامه راه‌آنها وپشتیبانی‌ازحزب آنها است. چنین کسانی دارای معنوی و بجای آنهـا هستند . شهیدان ما بادوشه خود نه‌تنهـا به جاویدانان تاریخ میهن مـا پیوسته‌اند ، بلکه بهمه ما درس اجتماعی ومبارزه جولی بزرگی داده‌اند.

بخون پاک و مقدس افسران شهید توده‌ای‌سوگند می‌خوریم‌که تاآخر براه بزرگ انسانی آنهـا وفادار باشیم.

سوگند میخوریم!

سوگند میخوریم!»

یکی از پی‌آمدهای دیکتاتوری پهلوی:

معرفی جهان‌بینی مارکسیستی در کشور ما از کوره‌راه‌هاست

□ تئوری دانهای انقلابی عصرما وظیفه دارندکه بینش انقلابی ـ انتقادی مارکسیم لنینیسم را درسطح امروز تکامل مادی و معنوی جامعه‌ما، ازنو باتمام علمیت ودقت‌وهمه‌سویگی‌آن معرفی کنند.

یکی از ویرانیهای معنوی‌که استبداد پهلوی برجای گذاشته، عبارتست از درک نارس وغالبا مغلوط از مارکسیم‌ـلنینیسم، حتی نزدکسانی‌که با حسن‌نیت ،مایل به آگاهی‌ازاین بینش بوده‌اند.

درنظر بسیاری از روشنفکران ایران، که خواستارندجهان‌بینی‌مارکسیستی‌را بملت‌اهمیت دوران‌ساز آن بشناسند ، جلوه‌گاه جامع این جهان‌بینی، خلاصه‌ایست‌که‌استالین ازماتریالیسم دیالکتیک وتاریخی بدست داده است، یا آثاری است‌که در گذشته دراین‌ران دراین‌زمینه نشریافته وحاکی‌ازساده‌کردن‌هاوعامی‌ساختن‌هائی است‌که درشرایط خود ناگزیر بوده است.

آنهائی‌که چلوتر می‌روند و اطلاعات بوشیری‌کسب می‌کنند، مارکسیم را از زبـان سفسطه‌گران بورژوائی‌غرب‌اخذکرده‌اندوآنهائی که بازهم چلوتر میروند، بامارکسیم اززبان «تئوهارکسیست‌ها (بلوخ، لـوکاچ، لـوفـور، گارودی)و «تئوراینیست‌ها» (الت‌هوسر) ومکانی ازقبیل مکتب«فرانکفورت» (مارکوزه،هاباس، آدورنو، هرکهایمر) آشنا شده‌اند. درقـرب روشنفکران مخطفی، باحسن نیت یا بدون آن، باحرارت مشغول دوفع نقائص، جهـان بینـی مارکسیستی هستند وهمانطور که درگذشته کسانی می‌کوشیدند مارکسیـم‌را باکانت یاهگل تکمیل کنند، اینها سعی دارند مارکسیم رابه کـمک فروید، هوسرل، هایدگر، سارتر، ویتگن‌شتاین، شومسکی، لوی‌ستروس وغیره، نمایندگان‌فلسفه ومنطق وروانشناسی غرب، «تکمیل نماینـد». بعلاوه سفسطه‌گران،از‌توتسکیست یاماتوئیست‌نیز از موضع «مارکسیم» سخن می‌گویند.

درسالهای اخیر یک تحول کیفی از جهت اعتلاء سطح روشنفکری درکشورما انجام‌گرفت. این طبیعـی است اگـر گروه استالین ازفلسفه مارکسیستی برای روشنفکرانی‌که در عرصه‌های علوم طبیعی واجتماعی مقام زبده‌ای دارند،کافی نباشد. درعین‌حال برخـی ازاین روشنفکران، بعنوان روشنفکران «جهام سوم» (که رشته‌های مختلف‌آنها را بعنوان‌خلوقیت می‌کشاند‌با‌احترام به«جهان‌بینی‌مارکسیستی‌ـلنینیستی»، بعنوان یک جهان‌بینی خلقی و انقلابی میشناسند) آسان در تئوری میادی «تکمیل‌گران مارکس» می‌افتند.

تردید نیست که بینش مارکس، انگلس و لنین، زحمتکشان وکارگران وملت‌ها ومترقی تصریح کردند، یک‌آموزش‌وتمام‌کمال‌نیست‌کهما‌نتدالله «درک آنها، یکبار‌برای‌همیشه، ازپیشانی‌رب‌الارباب «ژوپیتر» بیرون جهیده باشد. این‌بینش، بنابه تصریح کلاسیکهای مارکسیستی، بـاید دایماً خود را براساس عمل (پراتیک)، براساس رشد علوم طبیعی واجتماعی وموافق‌اسلوب «انتقادی، انقلابی» تکمیل‌کند.

اما مسئله دراینجاست که این‌تکمیل‌در کجا انجام میگیرد؟ در نزدگروهی روشنفکران‌مهجرا ازعمل‌انقلابی، علی‌رغم‌اینکه تبحروقدرت حقیقی بزرگی داشته باشند وورآتاخود دانش فلسفی وتاریخی وفرهنگ عمومی‌نظرگیری از

اخبار دهقانی

دهقانان زمینهای مالکین را به‌تصرف درمی‌آورند وحق را به‌حق‌دار میرسانند

پیکار بزرگ مردم ایران و منجمله مبارزات دهقانان ستمدیده ایران، طی سالیان دراز با فراز ونشیبهای متعدد، سرانجام کاخ بیدادسلطنت را درهم کوبید. ازفردای پیروزی انقلاب رفته رفته دهقانان درسراسر ایران، گاهی به اعتبارخود وگاهی به ترغیب روشنفکران وروحانیون مترقی جهت پیشبرد امرسرکوب ضدانقلاب در روستا و تحقق خواستهای بحق خود ،هنرکتشکیل شوراها افتادند و در بسیاری موارد دست به عمل زدند .

دهقانان بدرستی تشخیص‌داده بودند که تشکل ومبارزه در درون شوراها می‌تواند آنها را در مقابله با تجاوزات وتعدیات مالکان غاصب و سرمایه‌داران وابسته به رژیم سابق بی‌روزگردانده وخواستهای حقوه مسلم آنها را بویژه درمورد زمین وآزادی و رفاه به کرسی‌نشاند. طی‌رویدادهای بزرگ انقلابی که برمهین ماگذشت، در بعضی‌مناطق‌که «اصلاحات ارضی شاهانه» صورت نگرفته‌بود وردرجات روستائیان بی‌زمین وکم‌زمین درمقابل مالکان و فئودالها قرار داشتند، مبارزه حق‌طلبانه دهقانان در چارچوب اتحادیه‌های دهقانی صورت می‌پذیرفت وشرکت‌کنندگان دراین مبارزه تمام: رعایا وکشاورزان بی‌چیز وکم‌زمین بودند و بدین‌ترتیب ترکیب طبقاتی‌اتحادیه‌ها همگون ویکسان بود. لیکن در مناطقی که اصلاحات ارضی به نحوی تغییری درمالکیت ارضی‌ایجادکرده بود، شرایط دیگری بروجود داشت.

دراین مناطق دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین در کناردهقانان نیمه‌مرفه ومرفه ونیز مالکان و سرمایه‌داران ارضی بسر میبردند. در اینگونه دهات، روستائیان بی‌چیز وکم‌زمین ودهقانان نیمه‌مرفه و بعضاً دهقانان مرفه‌در یک‌صف واحد برعلیه استبدادگران و عامل خودفروختشان، شامخطوع وایادیشان مبارزه میکردند وبدین‌ترتیب زمینگونی ی‌ی‌نوزهم‌چنان چیزاً برای‌ی‌ی‌ی‌ی‌متوک در دهقانیل اربابان و سرمایه‌داران ارضی وابسته کنه میخواستند زیر نامها و عناوین جدید بساط غارتگری خودرا حفظ‌کنند و دهقانان نیروی ضدانقلاب، که میکوشید باتوطئه‌و تحریک وحادثه‌آفرینی آب‌رفته‌را بجوی‌بازگرداند، خودرا در کنارهم می‌یافتند. بدین ترتیب،در اکثریت مناطق روستائی‌ایران شمار تشکیل شوراها برای سرکوب ضدانقلاب وتحقق خواستها ورد زبان روستائیان شد.

پیداست که روستائیان با هدفها و خواسته‌های متفاوتی وفقط‌روی اصل‌مبارزه مشترک‌با امپریالیسم و ارتجاع وتحکیم دستاوردهای انقلاب وهم‌چنین،بخاطر دستیابی به آرزوی اساسی‌شان یعنی زمین متشکل میگردیدند. درمقابل مخالفی که مبارزه‌متشکل دهقانان را بانافع خودسازگار نمی‌یافتند، بانقابهای گوناگونی از چپ‌چپ، ودراست، با تحریکات گوناگون به آتش‌افروزی ونفاق‌افکنی وبرادرکشی دامن زدند. آنها خواستهای بحق‌دهقانان زحمتکش را دستاویز قرارداده بتوطئه پرداختند، که‌یکی ازنمونه‌های آن وقایع گنبد بود. با که در دهات‌ترین‌کانون ناامنی‌تشنج و توطئه ایجادکنند. تعلل مقامات مسئول اجرائی وسیاست غلط وضدانقلابی وزارت کشاورزی، که‌گوئی برای‌خود تنها وظیفه دفاع از اربابان وسرمایه‌داران ارضی راقرارداده بود، کار را دشوارتر می‌کرد.

در خطبه آخرین نماز جمعه ، فقیدسعید **آیت‌الله‌طالقانی** خطاب به‌جمعیت گفت،

«صدهابار گفته‌که شوراازاساسی‌ترین مسائل اسلامی‌است، ولی نکردند.»

وزارت‌کشاورزی‌که میبایست پس‌از پیروزی انقلاب نقش‌بی‌نهایت‌فعالی در بهبوداوضاع شدیداً نا-بسامان‌کشاورزی‌کشور برعهده‌گیرد،عملاً آنچنان‌بدور از جریان انقلاب مانده بود که گویا حتی نسیمی از طوفان‌انقلاب هم دررهاورداهالی‌کاخ‌کشاورزی نوزیده است. مشی وسیاست وزارت کشاورزی عجز کامل خود را در اجرای برنامه‌خائنی‌که بسودانقلاب و مستضعفان روستاها باشد عملا ثابت کرده است و بهمین جهت هم تغییر آن درسنور فوز قرارگرفت وبالاخره پس‌از استعفای دوتا موقت، شالوده‌های آن تغییریافت.

توصیه‌های **امام‌خمینی** و اصرار هشیارانه مجاهدنستوه**طالقانی**وخواست‌مردم‌نشان‌میدهندکه‌مسئله شوراها مقوله‌ایست‌دائمی‌وبنیادی. مسئله‌تشکیل شوراها وایجاد نظام راستین شورائی همچنان ازاولویت خاصی برای مردم‌ایران‌ومتجمله‌برای دهقانان‌کشور برخوردار است. آنچنانکه اولین شادی‌که بعداز رحلت**آیت‌الله طالقانی** برفضای کشور طنین انداخت این بود:

«پیام طالقانی شهادت است وشوراء.

درشرایط حاضروموقعیت حساس‌کنونی،کوشش دررام اتحاد نیروهای صدیق‌قیامی هرچند باهدفها‌و منافع‌گوناگون، بی‌تردیدمشترک دفاع‌ازدستاوردهای انقلاب وتعمق‌آن ازآنچنان اهمیتی برخورداراست که لازم بتذکرنیست، زیرا سرنوشت انقلاب‌بدان‌وابسته‌است لذابرخوهائی که درموتاءهاءهنوز معتقد بمبارزه‌مشترک بالامپریالیسم وعمال داخلی‌آن هستند، میتوانند وباید مطالعاتی بسبب برخی‌کارشکنیها وبی‌تفاوتیها، تحقق شوراها وبرسمیت‌شناختن آنها و واگذاری اختیارات بدانها ازجانب دولت موقت‌گذشته بکلی به‌بوته اجمال سپرده شد. لیکن این مسئله فقط از نظرارگانهای اجرائی بظاهر فراموش شده‌بود، زیرا مردم هم‌چنان‌در راه تشکیل شوراها میکوشیدند. زیرا بسیاری دهات‌کار تشکیل شوراها سامان‌گرفت. بی‌شک عدم تحقق طرح شوراها علاوه برنقش تخریبی وضدانقلابی دشمنان‌مردم وعوامل رژیم پهلوی ،که هر روز فعالیتی وگستاخ‌تر می‌گردندودرجستجوی بهانه‌برای‌حادثه آفرینی‌هستند، نقش‌عمده‌ای درپروز درگیریها دقیقاً همین‌حل نشدن مسائل‌روستاهادا‌شته‌که زمینه بروز اختلافات وتاآرامی های منطقه‌ای‌را ایجاد میکرد. روشن‌بودکه اگر کار شوراها درروستاها سامی‌گرفت وبعالیات حق وعمله دهقانان توجه میشد،عوامل ضد انقلاب وفاداربکرفرصت وامکان‌آنرا نمی‌یافتندکه سربلندکنند وکوشش نمایند

درباره شوراها در روستاها

بالاگرفتن خواست‌تشکل‌شوراها برای اداره‌امورداخلی هر منطقه و پیش‌آمدن رویدادهای خونین سنندج، **امام‌خمینی**به‌پیشنهاد مجاهد نستوه مرحوم **آیت‌الله طالقانی**، فرمانی به‌شورای انقلاب صادر کردند که رهنمود مشخصی‌بود برای تشکیل شوراهاواقدام عملی دراین زمینه.

پس ازچندی شورای انقلاب طرح تشکیل شوراهارادر کلیه‌محوراتصویب کرد،علیرغم حدت‌وفوریت مسئله بعلت‌روش دولت موقت ورسمیتگاههای اجرائی، چریانی نسبتاً طولانی‌پیش‌آمدکه مانع‌کارمی‌شد.تا آنکه **آیت‌الله طالقانی**، پس‌ازمذاکره با **امام خمینی**، طی سخنانی درمسجد فیضیه قم، صراحتاً خطاب بمردم‌گفت، «دستور تشکیل شوراها لازم‌الاجرا است وحتی دولت هم نمیتواندمانع آن‌شود»،پیدا بودکه ایشان‌برمشکلات وموانعی که برسراه تشکیل شوراها ایجاد شده‌بود، وقوف‌کامل داشته. جریان رویدادها وگذشت‌زمان‌نشان داد‌که تذکر **آیت‌الله‌طالقانی** بی دلیل نبوده است و مناقشاته بسبب برخی‌کارشکنیها وبی‌تفاوتیها، تحقق شوراها وبرسمیت‌شناختن آنها و واگذاری اختیارات بدانها ازجانب دولت موقت‌گذشته بکلی به‌بوته اجمال سپرده شد. لیکن این مسئله فقط از نظرارگانهای اجرائی بظاهر فراموش شده‌بود، زیرا مردم هم‌چنان‌در راه تشکیل شوراها میکوشیدند. زیرا بسیاری دهات‌کار تشکیل شوراها سامان‌گرفت. بی‌شک عدم تحقق طرح شوراها علاوه برنقش تخریبی وضدانقلابی دشمنان‌مردم وعوامل رژیم پهلوی ،که هر روز فعالیتی وگستاخ‌تر می‌گردندودرجستجوی بهانه‌برای‌حادثه آفرینی‌هستند، نقش‌عمده‌ای درپروز درگیریها دقیقاً همین‌حل نشدن مسائل‌روستاهادا‌شته‌که زمینه بروز اختلافات وتاآرامی های منطقه‌ای‌را ایجاد میکرد. روشن‌بودکه اگر کار شوراها درروستاها سامی‌گرفت وبعالیات حق وعمله دهقانان توجه میشد،عوامل ضد انقلاب وفاداربکرفرصت وامکان‌آنرا نمی‌یافتندکه سربلندکنند وکوشش نمایند

نقل از اطلاعات - یکشنبه ۲۰ آبان۱۳۵۸

بهره‌مالکانه نه‌ماه‌پس از انقلاب؟!

دراواخر مهرماه گذشته یکی از خوانین، بنام فریدون قشقائی، برای‌گرفتن بهره‌مالکانه، کمالها متبوع بوده، به دهات فیروزآبادفارس رفته‌ومقادیر معتنابهی (حدود چندین‌ده‌تن) گندم وچلوارو جمع‌آوری کرده‌است.

دیدرچندمحل، ازجمله احمدآباد، با مخالفت و مقاومت دهقانان زحمتکش‌روبرو میگردد، تاآنجاکه دریک‌درگیری‌جان میشکند. نظیراین‌مقاومت درچندمنطقه دیگرفیروزآبادفارس‌دیده شده‌است. دهقانان تنها بااحداث‌وقوف‌خود میخواهند جلوی مالکان مذکوررا بگیرند ولیاً بقیه‌ماندند کدوردان اربابی و بهره مالکانه گذشته وحالادیگر زمین‌محصول بایدمال‌خود آنها باشد.

اخبار کارگری

در کارخانه ریسندگی «رحیم‌زاده‌وشرکاء» اصفهان

۳۸سال پیش این کارخانه درخیابان شاهپور سابق اصفهان شروع به‌کارکرده‌است، ولی‌ده سال پیش این کارخانه را به محل‌جدیدش منتقل‌کرده‌اند، البته نیمی از دستگاهها را عوض‌کرده وقسمتی از ماشینهای سابق را به محل‌جدیدش منتقل‌کرده‌اند. ظرفیت کارخانه به مراتب افزایش یافته و برتعداد کارگران آن نیز افزوده شده‌است.

کارخانه امروز درجاده اصفهان-تهران، حدود کیلومتر۱۲ واقع شده‌است. نصف محصول‌کارخانه را دوکارگاه بزرگ ریسندگی، کارگاه مجهز تراشکاری، کارگاه برق وحلبی سازی ونجاری و چند انبار بزرگ ومتوترخانه برق‌گرفته‌است وبقیه زمین‌کشاورزی ودو گلخانه بزرگ است، که در آنجا هر ساله مقداری‌گندم و گل تولید می‌شود.

صاحب‌اصلی کارخانه‌خانواده رحیم‌زاده بوده‌است، ولی‌امروز مقداری از سهام‌کارخانه در دست چند سرمایه‌دار دیگر هم قرار گرفته است.

تولید کارخانه روزانه ۴۲۰۰ بقچه نخ‌است. هر بقچه۴/۵ کیلو است.این نخها دارای‌ارزش‌بزرگ‌کارخانه وهبود محل‌قدیم کارخانه اعتبار میشود. بجز چندسری ماشین‌که درقسمت‌دیگ ودولابانی کار نمی‌کنند، بقیه‌ماشینهای‌کارخانه مشغول بکارهستند. کارگری میگفت، قسمتی ازاین ماشین‌ها‌چون قدیمی است،صرف نمیکند بکار افتد، ولی بخش عمده‌ای آنها بعلت کمی مواد و یا سیاست مدیریت کارخانه بکارنمی‌افتد.

تعدادکارگران‌کارخانه ۸۵۰نفراست.حدود۷۵نفرآنها زن‌و بقیه مردانند. ازاین‌تعداد، بجز درسه‌قسمت‌حلاجی، کاردیگ‌وفلاژیر که مردان مسن‌کار میکنند، بقیه‌کارگران عموماً زیر۳۰سال دارند، که ازاین‌تعداد سهم‌زیادی‌راجوانان‌زیر۲۱ سال‌گرفته‌اند. کارگران‌از روستاهای اطراف(عاشق‌آباد، دستگرد،فداود، رهنان، سده، کوشک) وبندرت ازاصفهان بکارخانه می‌آیند. البته‌اگر کارخانه باظرفیت‌کامل کارکند، تعدادکارگران ازه۸۵۰ نفرافزایش می‌یابد وازه۱۰۰۰ نفر هم بیشتر می‌شود.

سابقه‌مبارزاتی- یکبار درسال۳۲ کارخانه نسبتاً «تصفیه» شده‌است. حتی‌کارفرما گفته‌بود، «من‌خاک کارخانه را عوض‌میکنم». بعدازآن، یکی‌دومرتبه‌اعتصاب کوتاه‌مدت‌میشود، که دریکی‌ازآنها پلیس دخالت‌میکند وباعث‌کتک خوردن‌کارگران واخراج ۵ یا ۶ کارگرمیشود. جنبش‌مبارزاتی کارگران ازاوایل۵۷شکل میگیرد، تاآنکه هنزمان باگسترش مبارزات‌کارگری در آبادانها، آنها نیز دست‌ازکارکشیده وهمروزدرورکارخانه راپرمی‌کردند وشعار می‌دادند. حتی‌هنگامیکه سرویس‌کارخانه نبوده‌است، آنها بادوچرخه خودرابه کارخانه میرساندند وبعدازانجام تظاهرات وگرفتن۸عددنان‌سهمیه روزانه پراکنده‌میشدند.

بعداز انقلاب، روندمبارزه کارگری شدت‌مییابد، البته در قالب‌مبارزه صنفی. کارگران با مبارزه خسود موفق میشوند عیدی خودرا دریافت‌کنند وهمچنین پلیس‌کارگرراه که عامل ساواک و کارفرما بوده‌ازکارخانه‌اخراج‌میکنند.

کارگران‌برای گرفتن‌حداقل‌دستمزد (۵۶۷ ریال) وهمچنین حق اولاد وحق ایاب وذهاب دست به‌تحصن و اعتراض زدند، تا توانستند حقوق عقب افتاده خودرا دریافت‌کنند. مقداری از آنرا هم‌کارفرما متعهد شده‌است۵ماهه بپردازد.بطور متوسط بعدازانقلاب به حقوق عرفیه حدود ۱۵۰۰ تومان افزایش داده شده است.

در رژیم سابق، کارخانه رحیم‌زاده تنها کارخانه‌ای بودکه کسانی‌راهم‌کاه‌مشول بودند، سرکارمی‌گذاشت وآنهارامصرفی‌نمیکرد و از این بابت میتوانست حقوق کمتری پرداخت کند . کارگری تعریف میکرد، در رژیم گذشته سر ساعت‌درهای سالن را می‌بستند وتا آخر پست‌حق‌خروج نداشتیم، هرچند روز یکبار کارفرما برای بازدید بسالن می‌آمد و با کوچکترین ایرادی، چریمه میکرد و یا توی گوش کارگران می‌زد. (البته بعداز انقلاب تا حالا پسه‌کارگاه فیلم‌داست) شدت‌کاربه‌حدی‌است‌که‌کارگران‌مسن، که ۱۵تا۱۰سال‌سابقه کار دارند، بیمار شده‌اند . بعلت آنکه دوقسمت از کارگاهها غبار بهداشتی است، خطرمرض سل همواره وجود دارد. کارگری که خود بامرض سل دچارشده بود، تعریف میکردکه تا حالا چند نفردیگر هم سل گرفته‌اند و اگر از همه آزمایش بعمل آید، ممکن است تعداد بیشتری مبتلا باشند وخود ندانند.

اخبار دهقانی

در مطبوعات کشور

آنچه که‌همه باید بدانیم

این چه حرف نامربوطی است که که احیانا ممکن است‌گفته شود که‌اصلاح باسرمایه‌داری سردمسازی داردا چه‌کسی می‌تواند ادعاکند که دراسلام به اصالت سرمایه (به مفهوم سرمایه‌داری) واصالت حب سرمایه (که انگیزه سرمایه‌داری است) و اصالت ارزش‌های کثیف مادی (که درمدن سرمایه‌داری است) واصالت نگرش‌به‌ماده به‌عنوان‌تنها چیزی‌که‌برای انسانیت انسان‌مطرح‌است (کذائت‌سرمایه‌داری‌است) بانگاه‌احترام‌آمیزی‌نگریسته شده است.

این‌کدامین کسانند که‌هنوز بعداز گذشت قرنها (که‌فریاد ضدامپریالیستی وضد خاک‌سالاری اسلام ازبرطانی خونین‌تاریخ پیچیده است) هنوزهم احساس‌می‌کنند که در اسلام سرمایه‌داشتن نه‌حدی‌دارد و نه مرزی، وانسان‌مسلمان می‌تواندسرمایه‌دار و سرمایه‌اندوز و سرمایه‌پرست نوز باشد .

در اسلام سرمایه با حدود دقیق شرعیش محدود می‌شود. هرکس بر آنچه دارد مالکیت مطلق‌ندارد. مالکیت‌مطلق فقط وفقط‌از آن خداست، تمام مالکیت‌ها در اسلام مشروط است وهرکس هرچه دارد می‌تواندبرچهارچوب‌دقیق‌معیارهای شرعی از آن بهره‌گیرد‌و لاغیر.

خواهران و برادران عزیز، درمجلس خبرگان!...«سلما موادی‌که دراین‌زمینه تصویب گردیده ازنظر صورت‌ظاهرشرعی درست است ، ولی‌گاه اسکته بعضی‌از نکفتن‌ها مجال را بسرای تفسیر های گوناگون وغیرشرعی بازمیگذارد.شما از آرامانهای‌اقتصاد اسلامی‌که چهارچوب اصلی این تقسیم‌هادا مشخص میسازد، سخن‌نگفته‌اید.شماکسی‌رامحکوم‌کرده‌ید، شماحتی ازترس مارکسیسم،از«ذاته «توحیدی» هراسیده‌ایدوباین‌کلمه‌ای‌سمی رادرقانون اساس حذف‌کرده‌اید . شما خودحدود مالکیت‌را دراسلام مشخص نکرده‌اید وشمادرهمه‌رادا که فریادمیزدند، بر ابری،برادری، حکومت عدل علی، از یاد برده اید ، شما اگس بروشنفکران سوختن‌داشته‌اید‌آیا آیت!... محمد باقر صدر وحجت‌الاسلام‌علی تهرانی‌و آیت!... طالقانی‌نیز درشما سوختن‌بر می‌انگیزند؟ وشمادراجع به‌ابزار تولیدی‌و نحوه‌امالکیت آن وحقوق تولیدکننده، واینکه ارزش اضافی متعلق به‌کیست سخن نگفته‌اید. واین‌همه نگفتن‌ها جز آنست که مجال تفسیرهای سوداگرانه و دنیاطلبانه و شهوت‌آمیزرا درآینده باز می‌دارد؟ و تاآنکه‌امپریالیست‌دراجهانخواری خود ازهمین‌بر پایها می‌توانندسود چوپا! جمهوری اسلامی،۵۸/۸/۱۹

نبرد تا پیروزی

روزنامه اطلاعات (۵۸/۸/۲۰)پس از اشاره به جنایات و غارتگری‌های امپریالیسم امریکا وسایقه‌ی او در توطئه علیه آزادی واستقلال‌ملی خلق‌های‌جهان می‌نویسد،

اینجا حساب ایران استقلال‌طلب‌و آزادی‌خواه‌است‌که‌باید‌با‌حساب‌امپریالیسم زورگو وتجاوزنخوار یکی‌شود. ولی‌امریکا نمی‌تواند ملت‌خودرا بفریبدو‌تنها‌جان را، چراکه فضاحت‌هایش در لائوس و ویتنام ونیکاراگوئه وفلسطین و ایران و پاکستان،...طلب‌رسوائی‌این آدمخواران دلاربرست رااز‌بام‌جهان‌بزیرافکنده‌است.

ملت امریکا میداند و اگر میداند باید بدانندکه‌دراین‌چرخه‌نیست و رژیم دست‌نشاندهٔ شاه‌چه‌قیافه‌ی‌وچنانی بر ملت ایران روداشته و اکنون‌نیزدولت امریکا درانتدیشه تداوم‌آن سلطه وروابط جنایتکارانه است در رابطه با امریکا و سیاستهای سلطه جویانه‌اش ملت‌ما می‌گویند،نه

اماهما می‌گوید، نه

وما برمن این پیمان می‌مانیم، حتی اگر در این مبارزه، بلاهای بسیار برما ببارد، حرف امام امت‌را تکرار می‌کنیم بعنوان‌کلامی درخشان درس‌لوحه‌مبارزه پایان‌ناپذیر، «آقای‌کارتر مارا آزمایش نفرسانند، ماهل‌مبارزه‌هستیم.»

نقل از اطلاعات - یکشنبه ۲۰ آبان۱۳۵۸

«هنر» در انقلاب ما

هنر، بویژه در دورانهای انقلابی، میتواند نقش‌بس‌مؤثرگاه‌ایفا کند. انقلاب‌بزرگ،علاوه برجهات اجتماعی‌یک‌ملت، زندگی‌معنوی‌و نوده‌های فرهنگی‌اورا نیزبه‌توفان وتلاطمی عظیم می‌کشاند. هنر انقلاب در راستای نفی‌خلاق دنیای گذشته و حذف عناصر مورا و پوسیده‌ی آن‌و برگرداشت‌نهادهای‌پوپا وزندگی‌آفرین بوش‌مورد. انقلاب‌با عرضه‌فرازخانه کاملی از تصاویر بدیع، مضامین‌بکروا‌شکال اصیل، تخیل‌هنرمند را‌بارور می‌سازد، ودرعوض تمام‌توش وتوان‌صادق‌انقلابی او را به‌خدمت می‌گیرد. هنرانقلابی این‌چنین‌زائیده، موجود هنرمندان انقلابی، اگرهنرمندانی بتمام‌معنی درخورد این‌عنوان باشند، میرثترین‌نهادها، تاثیرومدی‌آنها‌ترین اهدافو هدف‌ترین حرکت انقلاب‌را درمی‌یابندوملای پیروزی فرخنده‌ی آن‌را برمقاید فتوت دیرین سرمیدهند. در زیرپرچم والای انقلاب کبیرفرانسه، نگارگران‌بزرگی چون **دلاکروا، کوربه‌دراوید** رژه‌رفتند وهنرمندانی چون**گورگی، مایاکوفسکی وایزنشتین**ارثش معنوی انقلاب‌کبیر سوسیالیستی اکتبررا تجهیز کردند. تنها یک‌فیلاندیه‌ی **سیلیوس**،یا«سه‌سه گوبلوا»و«وحدت‌و تشکیلات»**لاهوتی**برای‌اثبات‌رسالت تهییج‌وبسیج‌گری هنرانقلابی کافی‌است.

مایاکوفسکی هنررا عامل فعال وزندگی‌ساز انقلاب می‌نامد. بدون‌عامل ایمان وشورانسانی، انقلاب به فعالیت مکانیکی خشک تبدیل خواهد شد. انقلاب با شورو‌جوشش تکاپوی انسانی است‌که به شکل فعالیتی زنده وهستی‌سازدرمی‌آید، این‌شورانقلابی رابیش ازهر چیز هنر و درخدمت انقلاب می‌گذارد.

هنردر فراگرد یاندگی انقلاب، نخست نبوده‌ه‌ای اجتماعی هستی‌سوزوضدانسانی نیزعیانی است‌که به‌امپریالیسم امریکافوت قلب‌میدهد تاعاوربه شکست سیاسی درایران انقلابی، دوباره بتدریج دسته‌خیز بر گردد. مؤید این نظر امدادی است که «دانشجویان مسلمان پیرو‌خط‌امام» درجاسوس‌خانه امریکا کشف و افشا کردند. برطبق‌یکی‌ازاین‌اسناد، امریکاطی‌حس‌می‌رای‌بازگرداندن اوضاع میهن‌ما بوضع مطلوب‌تری برای‌خود، تهیه‌کرده‌بود و برای اجرای این‌طرح سلطه‌جویانه، بیش‌ازهمه روی‌گروه‌هاوابستگی‌های اقتصادی‌کشور ماباغرب امپریالیستی و به‌ویژه‌اقتصاد و تکنولوژی امریکا حساب‌کرده بود.

برنامه‌ریزی سریع واقدامات ضربتی برای بیرون کشیدن صنایع ماقاز «بن‌بست‌و‌نقاد» وخانه‌خرابی‌وان به‌انگای خطرناک این صنایع‌بوابل‌یک‌دی‌وداد اولویه‌ممالک‌امپریالیستی،ضروری است که‌حتی‌یک‌روز تاخیردر اجرای‌آن جایز نیست.

عنصر امریکا، عنصر امپریالیسم، از این طرق مشهود وطرق نامشهود دیگر، طی‌سالهای طولانی استیلاگری، دوزدرات زندگی ما نفوذ وسوب کرده وجزو این زندگی وعادات بسماری ازما شده است. وابستگی‌ما اینک تنها ازمعبر احتیاج روزمره نمیگذرد. احتیاج ونکی‌داشتن به‌تولیدکشاورزی وصنعتی ودارودلی وغذائی، وابستگی پولی مستقیم بدلار، وابستگی بازرگانی با بازارهای امپریالیستی اروپاوژاپن‌بخصوص امریکا، زمینه‌اصلی، امادرعین‌حال بخشی‌از وابستگی ماست. این وابستگی در عرصه فرهنگی و اجتماعی بی‌ای بسماری به‌نوعی اعتیاد بدل‌شده‌است. فیلم‌امریکائی، موزیک امریکائی، تربیت امریکائی، شیوه تفکر صادراتی امریکائی، شیوه مدیریت امریکائی ، چتکلاه‌ها و ابزار نامرئی‌تر حضور امپریالیسم وجاده‌کوب ومکمل حضور سیاسی واقتصادی آن است. برسرشرف دهقان فلان روستای دورافتاده، اگر غذای کافی نیست چه‌باک، «...کولای امریکائی هست.

درمیان انگشتان پینه بسته زحمتکش ایرانی ، اگر مال و منالی‌نیست،درعوض‌سیگارامریکائی‌هست. این‌عمق‌حضورامپریالیسم درزندگی ومناسبات ماست. مبارزه با تمامی مظاهر و جلوه‌های حضورامپریالیسم-و نه‌فقط امپریالیسم‌بالنکی، بلکه‌همه‌امپریالیستها، همه شیطانهای‌کوچک وبزرگ،که بهرحال اعضای یک خانواده‌اند- درتمام‌عرصه‌ها بایدشدیدترعمل‌را بهم بیامیزد.مصرف کالای‌امریکائی،چه نوع‌مادی‌و چه‌نوع‌معنوی‌آن-باید بحداقل‌همکن‌محدودگردد وبتدریج بسوی کاهش‌بازهم بیشتر سوق داده‌شود. این‌دمنای بستن‌دروازه‌های مملکت‌بروی‌جهان‌ومحروم کردن‌کشور از مناسبات ضروراقتصادی‌و سیاسی وفرهنگی وغیره .بادیگرملل‌نیست، برعکس، برای پیشبرد این مبارزه انقلابی وحیاتی، ماناگزیر از آنچه‌که مناسبات خودرا باکشورهای غیرمتعهد وکشورهای پیشرفته‌ای‌که‌روابط آنها‌برا‌ساس غارتگری و تسلط وسوءاستفاده استوارنیست، توسعه‌دهیم.

ما تکنولوژی ومهارت‌های ناگزیرعصررا، بویژه‌ی سالم اقتصادوصنعت‌ملی‌را،باگسترش‌وتحکیم **نوع‌مناسبات‌برابرحقوق ومبتنی برمنافع متقابل** میتوانیم وباید تامین کنیم‌وبدراین‌راه از تجربه کشورهائی که پیش‌از ما در راه کسب استقلال واقعی خود، با امریکا وامپریالیسم‌درآویختند، بی‌نیاز نیستیم. این راه ،همان حمله برون به ریشه‌اصلی وپایگاه عمده‌ضدانقلاب است، همان ادامه‌ورشدانقلاب واو را هم مصادره وتضمین شده‌است، همان‌پیوندناپذیرمبارزه انقلابی و وضدامپریالیستی باعمل واقدام همه‌جانبه ضدامپریالیستی ودریک کلام، تفسیر سخن بامحتوی واساسی رهبر انقلاب ، **امام‌خمینی** است، که حاوی همه این ضرورت‌هاست،

«انقلاب دیگری آغاز شده، انقلابی بزرگتراز انقلاب اول»!

پیوند شعار ضد امپریالیستی با عمل ضد امپریالیستی...

بقیه ازصفحه ۱

قطع صدورنفت به امریکا. اما این آهنگ با ضربان و قاطعیت باز هم‌پیشتر باید ادامه یابد وتعمیق شود. لازم است کلیه قراردادهای اسارت‌بارسیاسی ونظامی‌ونفتی‌لغوشود، ونه‌تنها لغو، بلکه‌جزئیات‌آن افشاء و درمعرض افکارعمومی ایران وجهان قرار گیرد، تا توده‌ها باچگونگی سیاست‌های غارتگرانه امپریالیسم وطبیعت ضد خلقی و ستمگر وغارتگر آن آشناشوند ورامهای بازگشت و روح دوباره جهانخواران، باامثال‌کهنه یانو،بعهده تجربه و آگاهی توده‌هاهرچه بیشتر مسدودگردد.

ازادامه حضور وهدایت سرمایه‌های امپریالیستی وبه ویژه سرمایه‌های امریکائی درموسسات تولیدی‌کشور باید جلوگیری شود. مناقشاته علیرغم ملی‌شدن بسیاری ازاین موسسات، به‌ترکیب‌سهام و سهامداران آن هنوزدست زده نشده‌است. دراکثرموسسات ملی‌شده، تاکنون‌فقط مدیریت درداختیاردولت قرارگرفته ومفهوم عملی‌شدن، درهمین حدراندک نگه‌داشته شده است. سرمایه‌های امپریالیستی بصورت آشکارویا غیرمستقیم، با انواع وذکلک‌ها برای فرارازمالیات، درداینگونه شرکتها وموسسات بحال خودگذاشته شده‌اند. درهم‌شکستن وورداختیارگرفتن سرمایه‌های بزرگ‌وابسته وزمینداری بزرگ‌وابسته، که‌محل‌های‌مطمئنی برای‌نفوذخزنده‌امپریالیسم‌اند، از اولویت خاصی برخوردارات. پایه‌های این‌حرکت، یک‌اقدام‌مهم دیگرضروراست، معرفی واقشاء ودرصورت‌لزوم محاکمه کلیه‌عوامل مستقیم وغیرمستقیم امپریالیسم درایران وپاکسازی مراکز حساس مملکتی‌ازآنها وطردکامل وابستگان وساواک، اجیرشدگان، وادوهای آن درموضوع سیاسی واقتصادی ومهمتر ازآن نظامی.

وجود امرهامومحل‌های‌انسانی‌رعیتی‌است‌که‌به‌امپریالیسم امریکافوت قلب‌میدهد تاعاوربه شکست سیاسی درایران انقلابی، دوباره بتدریج دسته‌خیز بر گردد. مؤید این نظر امدادی است که «دانشجویان مسلمان پیرو‌خط‌امام» درجاسوس‌خانه امریکا کشف و افشا کردند. برطبق‌یکی‌ازاین‌اسناد، امریکاطی‌حس‌می‌رای‌بازگرداندن اوضاع میهن‌ما بوضع مطلوب‌تری برای‌خود، تهیه‌کرده‌بود و برای اجرای این‌طرح سلطه‌جویانه، بیش‌ازهمه روی‌گروه‌هاوابستگی‌های اقتصادی‌کشور ماباغرب امپریالیستی و به‌ویژه‌اقتصاد و تکنولوژی امریکا حساب‌کرده بود.

برنامه‌ریزی سریع واقدامات ضربتی برای بیرون کشیدن صنایع ماقاز «بن‌بست‌و‌نقاد» وخانه‌خرابی‌وان به‌انگای خطرناک این صنایع‌بوابل‌یک‌دی‌وداد اولویه‌ممالک‌امپریالیستی،ضروری است که‌حتی‌یک‌روز تاخیردر اجرای‌آن جایز نیست.

عنصر امریکا، عنصر امپریالیسم، از این طرق مشهود وطرق نامشهود دیگر، طی‌سالهای طولانی استیلاگری، دوزدرات زندگی ما نفوذ وسوب کرده وجزو این زندگی وعادات بسماری ازما شده است. وابستگی‌ما اینک تنها ازمعبر احتیاج روزمره نمیگذرد. احتیاج ونکی‌داشتن به‌تولیدکشاورزی وصنعتی ودارودلی وغذائی، وابستگی پولی مستقیم بدلار، وابستگی بازرگانی با بازارهای امپریالیستی اروپاوژاپن‌بخصوص امریکا، زمینه‌اصلی، امادرعین‌حال بخشی‌از وابستگی ماست. این وابستگی در عرصه فرهنگی و اجتماعی بی‌ای بسماری به‌نوعی اعتیاد بدل‌شده‌است. فیلم‌امریکائی، موزیک امریکائی، تربیت امریکائی، شیوه تفکر صادراتی امریکائی، شیوه مدیریت امریکائی ، چتکلاه‌ها و ابزار نامرئی‌تر حضور امپریالیسم وجاده‌کوب ومکمل حضور سیاسی واقتصادی آن است. برسرشرف دهقان فلان روستای دورافتاده، اگر غذای کافی نیست چه‌باک، «...کولای امریکائی هست.

درمیان انگشتان پینه بسته زحمتکش ایرانی ، اگر مال و منالی‌نیست،درعوض‌سیگارامریکائی‌هست. این‌عمق‌حضورامپریالیسم درزندگی ومناسبات ماست. مبارزه با تمامی مظاهر و جلوه‌های حضورامپریالیسم-و نه‌فقط امپریالیسم‌بالنکی، بلکه‌همه‌امپریالیستها، همه شیطانهای‌کوچک وبزرگ،که بهرحال اعضای یک خانواده‌اند- درتمام‌عرصه‌ها بایدشدیدترعمل‌را بهم بیامیزد.مصرف کالای‌امریکائی،چه نوع‌مادی‌و چه‌نوع‌معنوی‌آن-باید بحداقل‌همکن‌محدودگردد وبتدریج بسوی کاهش‌بازهم بیشتر سوق داده‌شود. این‌دمنای بستن‌دروازه‌های مملکت‌بروی‌جهان‌ومحروم کردن‌کشور از مناسبات ضروراقتصادی‌و سیاسی وفرهنگی وغیره .بادیگرملل‌نیست، برعکس، برای پیشبرد این مبارزه انقلابی وحیاتی، ماناگزیر از آنچه‌که مناسبات خودرا باکشورهای غیرمتعهد وکشورهای پیشرفته‌ای‌که‌روابط آنها‌برا‌ساس غارتگری و تسلط وسوءاستفاده استوارنیست، توسعه‌دهیم.

ما تکنولوژی ومهارت‌های ناگزیرعصررا، بویژه‌ی سالم اقتصادوصنعت‌ملی‌را،باگسترش‌وتحکیم **نوع‌مناسبات‌برابرحقوق ومبتنی برمنافع متقابل** میتوانیم وباید تامین کنیم‌وبدراین‌راه از تجربه کشورهائی که پیش‌از ما در راه کسب استقلال واقعی خود، با امریکا وامپریالیسم‌درآویختند، بی‌نیاز نیستیم. این راه ،همان حمله برون به ریشه‌اصلی وپایگاه عمده‌ضدانقلاب است، همان ادامه‌ورشدانقلاب واو را هم مصادره وتضمین

بختیار: دشمن کین توز مردم ایران (۲)

چه کسانی انقلاب ایران را تخطئه می کنند و حزب تودهٔ ایران را به باد ناسزا میگیرند

مصاحبه اخیر بختیار باخبرنگار دیلی تلگراف جزء ناچیزی است از یك موج تبلیغاتی ضد انقلاب ایران، که هم اینك رسانه های گروهی دنیای سرمایه‌داری، بعلت تداوم انقلاب و اشغال لانه جاسوسی امریکا، تا آنجاکه درقوه دارند آنرا دامن میزنند و بختیارهم دراین ارکستر ناموزون نغمه نامیمون خود را ساز کرده است.

بختیار نه تنها همگام با مرتجعترین مشاوران کارتر- برژینسکی‌ها- پیشنهاد محاصره اقتصادی ایران را ارائه داده، بلکه بهمراه تخطئه انقلاب و رهبری انقلاب، حزب توده ایران را نیز بباد ناسزا گرفته است.

وی مقدمتاً اظهار نظر کرده که «تجارب» وی در حوادث گذشته اورا باین نتیجه رسانیده که «رژیم خمینی اقتصاد ایران را از هم پاشیده است» و اینك گویا «نه انقلاب، بلکه هرج و مرج در ایران حاکم است.»

وی درزیر نقاب انتقاد از پیروزیدنت کارتر، سیاست هارترین محافل امپریالیستی را تأیید کرده و عملا بیاری کارتر شتافته، میگوید، «کارتر دراین محاسبه دچار اشتباه است که تصور می کند اگر خمینی را ازقدرت برکنار سازد، مردمان برای کمونیستها بازمی ماند. برعکس هرقدر رژیم خمینی ناپایدارتر باشد، کمونیستها نیرومندتر می‌شوند و سازمان آنها استوارتر می گردد. نفوذ کمونیستها بطور روزافزونی درحال توسعه است.»

درفشاریهای این جاسوس فرومایه درآنجا اوج میگیرد که میگوید، «خمینی «وقیمت خودرا ازدست میدهد، بحتمل خونریزیهای بیشتری درپیش باشد. ولی اگر بخواهیم اوضاع را باردیگر بحال عادی برگردانیم، (ازاین خونریزیها) گریزی نیست»

هیچ فراموش نکرده ایم که همین بختیار و نظایر او، درزمان خود، مردم ایران را از «سلطه آخوندیسم» میترسانیدند، تا آنها را دربرابر دستگاه سلطنت نرم کنند و بدینوسیله سلطنت را ازاضمحلال نجات دهند. درآنزمان نیز تصادفی نبود که زمینه تبلیغاتی بختیار کاملا با زمینه تبلیغاتی غرب و بخصوص امریکا، بنحوی که برای همه کس چشم گیر بود، تطبیق میکرد.

بختیار درآنموقع بمثابه یك عاشق دلخستهٔ «آزادی ودموکراسی» دستهای خود را که تا مرفق درخون جوانان وطن آغشته بود بلند میکرد تا «آزادی ودموکراسی» ساخت امریکا را درآغوش پرمهر(۱) خود پناه دهد.

وامروزهمین عنصر پلید می کوشد تا نابسامانیهای اقتصادی را، که طبعاً هنوزوجود دارد، ازنتایج انقلاب بزرك وقهرمانانه مردم جلوه دهد. درحالی که او خوب میداند که این نابسامانیها نتیجه غارتگری اربابان امپریالیست اوست، نتیجه ناگزیر ۲۵ سال رژیم ترور واختناق است، نتیجه ۲۵ سال سیاست تبهکارانه وچپاولگرانه او و اسلاف اوست، که بهمه چیز این کشور خیانت کردند، کشاورزی آنرا ویران ساختند، صنعت آنرا وابسته کردند، کوشیدند تا کشوری رابا اینهمه امکانات شگرف درتمام زمینه‌ها، بیك سرزمین تك محصوله، که تمام نفت ودرآمد، نفت درمحور آن قرارداشت، مبدل سازند، در مدتی کمتر از پنج سال ۲۵ میلیارد دلار از درآمد همین نفت، راهم باگرفتن حق وحساب ودلالی کافی بجیب سوداگران مرگ بریختند.

کوست که نداند همه اینها چزئی ازخیانت خاندان ننگین و تبهکار پهلوی بود. وهمین آقای بختیارو همپالکی‌هایش بودند که میکوشیدند تا این بساط سرتاپا آلوده بخون را از خطرزوال نجات بدهند وپوششی بعنوان «سلطنت مشروطه» برروی آن بکشند.

بختیار درمصاحبه بادیلی تلگراف با چنان لحنی صحبت میکند که گویا جمهوری کارتر ولیمعت اوو سازمان سیا هنوز صاحب اختیار ایران اند. وگویا «برکنار ساختن خمینی ازرأس قدرت، در حیطه اختیار آنهاست.

دراین مورد باید گفت که فکر آقای شاپور بختیار ومحدوده تمام وابستگی‌های داخلی وخارجی دچار آنچنان تحجری شده که هنوز نمیتواند درك کند که با پیروزی انقلاب ایران، زیر رهبری **امام خمینی**، دوران قدرتی کارتر وسازمان سیا مدتهاست دراین سوی شد. هدف بختیار ازبهم بافتن این لاطائلات، استفاده از همان حربه زنگزده و کهنه‌ای است که سالهاست برندگی خود را از دست داده است اومیخواهد نه تنها مردم ایران، بلکه مردم امریکا ازنیرو گرفتن کمونیستها بترساند ودرهمانحال بین نیروهای انقلابی و بویژه بین حزب توده ایران وپیروان امام خمینی تخم نفاق بیفکند، ولی اوودرتلاش نامیمون خود این مطالب را دربرده نگه میدارد که حزب توده ایران **ازآغاز امام خمینی** قرارداشته **و از صادق‌ترین** یاران اودرسراسر مبارزات ضدامپریالیستی وخلقی او بوده است.

بختیار میکوشد اربابان خود را باین بازوها دلخوش دارد که گویا «خمینی قدرت خود را ازدست میدهد» و از احتمال اینکه «خونریزیهای بیشتری درپیش باشد» صحبت میکند وبرای بازگرداندن اوضاع بحال «عادی» آن راحتی گریزناپذیر میداند. «حال عادی» برای اوحالت سلطه امپریالیستها وعمال آنها، حالت وابستگی ایران وغارت بی بندو بار کشور ماست. برای رسیدن به این «حال عادی»، «مرغ طوفان» نشان میدهد که نشئه خون است.

ولی اوج روزافزون تائید **خط امام** ازطرف اکثریت قریب به اتفاق مردم جواب دندان شکنی به او واربابان اوست. منتها دراین میان خوی حیوانی دشمنان ایران بیشتر برملا میشود وهر انسان شریف وباوجدان میتواند بخوبی تشخیص دهد که چه درندگان و دژخیمانی هستند این کسانی که با انقلاب ایران سرسازش ندارند وباچه لاقیدی و بی اعتنائی بحیات انسانی، ازناگزیر بودن خونریزی دم میزنند.

ولی این تهدیدات نه تاثیری درعزم آهنین رهبر انقلاب برای ادامه پیکار ضدامپریالیستی دارد، ونه مردم را میتواند منحرف سازد، که باتمام قدرت این خط ضدامپریالیستی را تعقیب و تاپای جان پیروزی میکنند.

ازاین که بگذریم، باید ببینیم که نارضائی بختیار، که بازتاب اضطراب اربابان دست وپا گم کرده است، از کجا ناشی میشود؟

از اینکه انقلاب پرتوان ایران دست رد برسینه او ومشی جنایتکارانه وسازشکارانه او گذاشت وبساط سلطنت راواژگون کرد و بهمراه آن سازمان جهنمی ساواك را ازهم فروپاشید، گو اینکه هنوز عده‌ای ازعمال آن بدست مجازات گرفتار نشده‌اند وفعالیت خطرناکشان ادامه دارد، ازاینکه زیرفشار انقلابی مردم، ایران خود را ازپیمان اسارت آور سنتو کنار کشید ودر جرگه کشورهای غیرمتعهد قرار گرفت.

ازاینکه قرارداد دوجانبه باامریکا ملغی شده، ازاینکه دانشجویان مسلمان پیرو امام لانه جاسوسی امریکا را، که بغلط سفارتخانه نام گرفته بود، تصرف کردند، وبااینکه درفاصله ساعاتی که این دانشجویان بسوی این لانه کژدم روان شدند، تاوقتی که آنرا تصرف کردند، مهمترین مدارك جاسوسی بوسیله دستگاه مخصوص که برای روز مبادا آمده بود، مشتی آردشد، بازهمان مقدار اسناد بجامانده و دستگاههای پیچیده‌ی الکترونیکی، که نتوانسته بودند آنها را ازبین ببرند، درمعرض تماشای عامه قرار گرفت ودنیا دانست آنچه که آنرا بمنظور اشتباه کاری سفارت نامیده بودند، بزرگترین لانه جاسوسی درسراسر خاورمیانه بود.

آری، اینها است که دل بختیار را ودل همپالکی‌های اورا، که هنوزدر ایران هستند وبرخی ازآنها خود را زیر پوشش «ملی» و «آزادیخواهی» مخفی کرده ویا در زیر سایه نام پرافتخار دکتر مصدق خزیده‌اند، بدرد آورده است وازهر دوسو «کمونیستها» راکه در این مورد مطلقاً بحزب توده ایران اطلاق میشود، بباد ناسزا گرفته‌اند. دلیل آنهم روشن است. زیرا حزب توده ایران، بعلت مشی تزلزل ناپذیر ضدامپریالیستی **امام خمینی**، بعلت صداقتی که درامام درجهت طرفداری خالصانه ازز حمتکشان ومستضعفین سراغدارد، با تمام امپرواز آنرا پشتیبانی می کند ودرهر قدم که امام درهر یك ازاین جهات به پیش بردارد، ازپشتیبانی صادقانه حزب توده ایران برخوردار است.

اینست آن واقعیتی که دشمنان رنگارنگ انقلاب را سراسیمه ساخته است.

انتشار «طریق الشعب»، ارگان حزب کمونیست عراق راتبریك میگوئیم

طریق‌الشعب، ارگان حزب کمونیست عراق، سومین شماره خودرا درشرایط دشوار مبارزه مخفی انتشار داده است. ما این موفقیت را به حزب قهرمان برادر خود صمیمانه شادباش میگوئیم و کامیابی هرچه بیشتر آنرا در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ازتجاع و بخاطر استقلال، دمکراسی وعدالت اجتماعی آرزومندیم.

طریق‌الشعب در سومین شماره خود، علاوه برمقاله‌ای که به ایران اختصاص داده وطی آن همبستگی حزب کمونیست عراق وزحمتکشان عراق را با انقلاب بزرك مردم ایران ابراز داشته، مقاله جالبی نیزدرباره اوضاع منطقه خلیج فارس در ارتباط با انقلاب ایران دارد، که ترجمه آن در زیربه اطلاع خوانندگان گرامی میرسد:

سرکلیشه روزنامه مخفی «طریق‌الشعب»

برداشت رژیم عراق از امنیت خلیج فارس

مفهوم النظام العراقي لـ "امن الخليج"

چند روزپیش در روزنامه‌های رژیم عراق این خبر منتشر شد که عراق مشارکت درطرح پیشنهادی سلطان امریکائی قابوس برای حمایت ازتنگه هرمز را رد کرده است. طرح قابوس این بود که با همکاری کشورهای عربی خلیج وامریکا وانگلیس وآلمان غربی از «امنیت خلیج» دفاع کنند.

رژیم عراق ازرد ظاهری این طرح دوهدف را درسر می‌پروراند،

از یکطرف میخواهد خود را مدافع «عربیت خلیج» جلوه دهد و ازسوی دیگر طرح دیگری را بجای «امنیت» جایگزین طرح قابوس سازد. روشن است که تا کید دولت عراق بر «عربیت خلیج» هنگامی شروع شد که انقلاب ایران شعله‌ور گردید. پیش ازاین، «شورای انقلاب عراق» به تمام روزنامه‌های آن کشور دستور داده بود که از بکاربردن کلمه «عربی» بهمراه نام خلیج خودداری کنند...

پس از پیروزی انقلاب ایران، رژیم عراق خود بعنوان حامی «عربیت خلیج» پیش قدم شد. صدام حسین دریکی از سخنرانیهایش بتاکید این مسئله را مطرح کرد و گفت «اگر مثلا شورویها تلاش کنند که عربستان سعودی را اشغال کنند، عراق قبل ازعربستان سعودی بدفاع ازعربستان سعودی خواهد پرداخت.»

با این که این مثال بهیچوجه قابل تصور و درك نیست وحتی خیالبافان نمی‌توانند تصور کنند که چطور سربازشوروی ممکن است به عربستان سعودی برود، ولی روشن است که صدام حسین بعربستان سعودی اطمینان دهد که رژیم عراق بیش ازعربستان بمبارزه باکمونیسم اهمیت می‌دهد. بهمین منظور بود که صدام حسین دستور داد ۳۱ نفر اعضا وهواداران حزب کمونیست را اعدام کنند تا اعتماد عربستان سعودی را جلب نماید.

پیروزی انقلاب افغانستان و ایران، فرمانروایان عراق ودیگر رژیمهای دیکتاتوری درمنطقه رابهراس افکند. بویژه ترس ازتاثیر انقلاب ایران درمردم این منطقه، آنهارا بیشتر نگران میکرد. لذارژیم عراق به واژه «عربیت خلیج» درباره روی آورد وآنرا درمقابل انقلاب ایران مطرح کرد گرچه ظاهراً فرمانروایان بغداد محیلانه باصطلاح «انزجار» خود را از برخی از بوسانات شوینیستی بعضی شخصیتهای ایرانی بهان میکنند، لیکن درباطن ازاین نوع اظهارات خوشحالند و حتی بانها دامن میزنند. روزنامه‌های عراقی هیچیك ازاعلامیه‌های رسمی دولت ایران را، که اظهارات صادق درحانی را رد میکند منتشر نکردند، در حالیکه بیانات روحانی را با عنوان‌های درشت منتشر می کنند تا احساسات شوینیستی عربی رادامن زنند واز اظهارات شوینیستی بعضی شخصیتهای ایرانی سوءاستفاده کنند وموضوع «عربیت خلیج» را در برابر انقلاب ایران مطرح سازند. ازاینرو ملاحظه میکنیم که درروزنامه‌های عراق حملات به انقلاب ایران اوج میگیرد. واین درست درهنگامی است که سوریه سعی دارد برای میانجیگری بین انقلاب ایران و کشورهای همسایه کوشش کند. چون فرمانروایان عراق احساس کردند که این میانجیگری زمینه را از زیر پای آنها بیرون خواهد کشید.

درکی که رژیم عراق ازموضوع «امنیت خلیج» دارد، برهمان مفهومیکه شاه ایران پس ازخروج ظاهری انگلیس ازمنطقه مطرح کرد، متکی است. شاه ایران ازمیلیتاریزم دفاع از «امنیت منطقه» بدست نیروهای «خالص محلی» بود. واین طرح بانقشه استعمار امریکا برای پرکردن جای خالی انگلیس در منطقه همآهنگی داشت. چون کارشناسان نانو، وابسته به پایگاههای امریکائی وانگلیسی در منطقه، ستون فقرات ارتشهای محلی را، که متکی به نانواست، تشکیل میدهند.

ازاین نیروهای «محلی خالص»، شاه ایران و پس فرمانروایان عراق میخواهند برای باصطلاح «دفاع ازامنیت خلیج» استفاده کنند.

برخلاف قابوس، که محافل امپریالیستی را آشکارا به انعقاد پیمانی رسمی دعوت میکرد، رژیم عراق، مانند عربستان سعودی، معتقد به داشتن زدوبندی باامریکا وانگلیس است و «همکاری سیاسی» را بر دخالت مستقیم نظامی ترجیح میدهد. امریکا نیز باین باصطلاح «استقلال نسبی» مخالفتی ندارد.

هودیك کارتر، سخنگوی رسمی وزارت خارجه امریکا، دراوج تهدید بدخالت درخلیج اعلام کرد که «فروش اسلحه به عربستان سعودی، علیرغم تصمیمات عربستان سعودی درباره نفت و کمپ دیوید، اتخاذ شد، چون این امر، یعنی فروش اسلحه، منافع امریکا را درحمایت ازامنیت وثبات درمنطقه تامین می کند».

باوجود این، عربستان سعودی و عراق دخالت مستقیم نظامی را عملی نمی‌بینند، ولی هر دو کشور درباره شیوه کار و اهداف امنیت خلیج متفق القولند. براساس موافقت نامه سعودی - عراق هر دوطرف برای خرید مقادیر زیادی سلاح دریائی ازفرانسه، جهت پیاده کردن طرح عظیم نظامی واحدی درخلیج، باهم توافق کردند. این موضوع دربازدید ریبون بار ازبغداد درژوئیه گذشته مطرح شد. سپس یك هفته بعد دربازدید وزیردفاع فرانسه ازریاض موردمذاکره قرار گرفت. پس از توافق عربستان سعودی وعراق درباره «امنیت خلیج»، دیدوبازدیدهای مسئولان عراقی ازعربستان سعودی ودیگر دول خلیج شروع شد، مانند بازدید وزیردفاع عراق، عدنان طلفاح التکریتی وجلادسعدون شاکر از عربستان سعودی، که هدف آن تنظیم قراردادهای امنیتی دالربه‌مبادله کارشناسان امنیت داخلی بود. سپس درگرماگرم حملات ضد کمونیستهای عراقی، کنفرانس وزرای کشور وشهربانی دول خلیج در بغداد برگزارشد.

اهداف این فعالیتها مهارکردن جنبشهای مردمی، مذهبی ومخالف بودکه درنتیجه انقلاب ایران اوج گرفتند وتمام این کشورها، بویژه عراق را دربرگرفته بود. عربستان سعودی به این توافق تن درنمیدهد، مگراینکه ازاهداف مشارکت عراق اطمینان حاصل کند، واین اطمینان درنتیجه موضعگیری‌های دشمنانه رژیم عراق نسبت به انقلاب مردمی ایران وافغانستان و انبوهی زیاد شد، درحالیکه ناوگان نظامی امریکا در آبهای خلیج جولان میداد وتوطئه‌های امپریالیسم امریکا درمنطقه شبه‌جزیره وخلیج اوج میگرفت، فرمانروایان عراق برای نزدیکی به عربستان سعودی دست بکار شدند، وبمنظور هماهنگ ساختن عملیات خرابکارانه علیه یمن دمکراتیك وجبهه ملی یمن شمالی و برضد هردو یمن وجلوگیری ازموافقتنامه های یمن دمکراتیك بایمن شمالی، در کویت به فعالیت‌های مذبوحانه دست زدند، که آخرین جنایت دراین زمینه کشتن شهید دکتر توفیق رشدی بود.

بنظر میرسد که این مطالب برای پی بردن بمنظوریکه عراق از «امنیت خلیج» دارد کافی است.»

لكي تظل الثورة الايرانية قادرة على مجابهة الامبريالية وعملائها وافشال مخططاتها

عنوان یکی از مقالات «طریق‌الشعب» درباره انقلاب ایران

درپی قطع صدورنفت...

بقیه ازصفحه ۱

ایفا می کنند، که طی ربع قرن اخیر بیش از ۲۰ میلیارد بشکه نفت ایران را به نازلترین بهـا وتاهمین چند سال پیش بقیمتی کمتر از یك دلار برای هر بشکه غارت کـرده‌اند. ازاین گذشته، درکنار کارتل، دهها انحصارات نفتی دیگر امپریالیستی طی دودهه اخیر بغارت نفت ایران راه یافته‌اند، که بخش عمده آنان را شرکتهـای نفتی امـریکائی تشکیل می‌دهد. ضمناً باید خاطرنشان ساخت، که تسلط انحصارات نفتی امریکائی تنها شامـل غارت ذخایر واستثمار وحشیانـه صنایع نفت وزحمتکشان ایـران نشده، بلکه صنایع پتروشیمی، لاستیك‌سازی و بخشهای دیگر مرتبط با صنعت نفت وگازانیز در برمیگیرد

امپریالیسم آمریکا و دیگر دول امپریالیستی تسلط خـودرا بر نفت ایران بصورت قراردادهای امتیازی نفت، قرارداد باطل کنسرسیوم در آبان ۱۳۳۳ ، قرارداد های بعدی الحاقی نفت، قرارداد فروش نفت به کنسرسیـوم درسال ۱۳۵۲ ودهها قرار داد امتیازی دیگر به کشورما تحمیل کرده‌اند. این قراردادها، که هیچگاه ازجانب مردم ایران برسمیت شناخته نشده، دررربع قرن گذشته پایه چنان فارت واساس چنان ظلم واسارتی درایران بوده، که نظیر آنرا درتاریخ کمتر کشور نفتی میتوان مشاهده نمود. رژیم ننگین دست نشانده کودتا و محمدرضای خائن، کسی که تاج و تخت شاهی را عملا ازسردمداران کارتل بین المللی نفت گرفت، عمده‌ترین فروت کشور ما نفت را درطبق اخلاص گذاشت و به ثمن بخس تقدیم اربابان امپریالیستی خود، بخصوص اربابان امریکائیش نمود.

انقلاب پیروزمند ایران اکنون روی مسئله حیاتی نفت وقطع شاهرگ تسلط امپریالیسم برکشورما دست گذاشته است. با درنظر گرفتن اهمیت مسئله، کاملا بجاست اگـر تصمیم اخـیر شورای انقلاب را یـکی ازمهمترین و عمده‌تـرین تصمیمها پس ازپیروزی انقلاب در بهمن سال گذشته بنامیم. پیداست که اتخاذ چنین تصمیم مهمی، برای آنکه باپیروزی کامل تحقق یابد، با تصمیمات قاطع دیگری، نظیر لغو فوری قراردادهای امتیازی نفت، رسیدگی عاجل به غارت کنسرسیوم وانحصارات نفتی در ۲۵ سال گذشته، قراردادن افراد مومن بـه انقلاب درمقامات حساس صنعت نفت وپاری گرفتن ازتوده کارگران وکارمندان در اداره وحفاظت ایـن صنعت و بالاخره فـروش مستقل نفت در بازار جهانی، ونه چنانکه تابحال بوده در بازار امپریـالیستی، و تصمیمات ضرور دیگر بایدهمراه باشد. خوشبختانه، چنانکه آقای معین فرعضو شورای انقلاب ووزیر نفت نیز اظهار داشته‌اند، مشتری خریدنفت ایران بسیار است واتخاذ تصمیم قطع صدور نفت وفروش آن به انحصارات امریکائی ازدیدگاه های مالی واقتصادی نیز بسود کشور ماست. باید دانست که در جهان امروز، باانتساب کنونی نیروهادر عرصه بین المللی، امکانات بسیار مساعـدی بـرای تحقق آرزوی دیرینه ملت‌ما ـ ملی‌شدن نفت به معنی واقعی کلمه ـ وجود دارد. با اتخاذ تصمیمات جامع وهمه‌جانبه درجهت قطع کامل تسلط امپریالیسم وکارتل بین المللی بر نفت ایران و به‌منظور تحقق بخشیدن به اجرای واقعی قانون ملی‌شدن نفت، نه فقط میتوان هر نوع توطئه امپریالیسم امریکا و انحصارات نفتی آن را علیه انقلاب ایران خنثی نمود، بلکه میتوان و باید پیروزیهای عظیمتری را نصیب انقلاب شکوهمند ضدامپریالیستی وخلقی مردم ایران کرد. حزب توده ایران از تصمیم قطع صدور نفت به امریکا صمیمانه جـانبداری میکند و از شورای انقلاب دعوت مینماید که با اتخاذ تصمیمات قاطع وسریع خود درزمینه لغو فوری قراردادهای امتیازی نفت، خواست مردم ایران را، که می‌خواهند به تسلط امپریالیسم بر نفت ایران پایـان داده‌شود، برآورده سازد. بجاست خاطر نشان سازیم که برآوردن این خـواست یکی از شروط اساسی تثبیت پیروزیهای بدست آمده وتکامل انقلاب ایران درجهتی است که مردم ایران آن را میخواهند وامام خمینی نیز بر آن تاکیددارند.

موفقیت در مذاکرات، برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان، آرزوی ماست.
آتش بس شرط حتمی و ضرور برای نیل به این موفقیت است